

کتاب لاویان

مقدمه

کتاب لاویان سومین کتاب تورات است. نام کتاب از نام قبیله لاوی که وظیفه کهنانت را به عهده داشت، گرفته شده است.

موضوع کتاب لاویان تقدس است. بعد از آنکه بنی اسرائیل با قربانی فصَح در مصر و عهد بالای کوه سینا، بحیث میراث خاص خدا علیحده شدند، بعد از سپری شدن مدت کمی، آن عهد را با بت پرستی یعنی پرستش گوساله طلابی شکستند. فقط با شفاعت موسی، خدا از نابودی آنها صرف نظر کرد و عهد خود را با آنها تجدید کرد. زیرا خدا به آنها وعده کرده بود: «من با تو خواهم رفت و ترا موفق خواهم ساخت.» (خروج ۳۳: ۱۴)

در کتاب لاویان و حتی تمام عهد عتیق کتاب مقدس، قربانی کردن حیوانات بحیث جز اساسی عبادت و پرستش به حضور خدا بیان شده است. گناهکاران برای رسیدن به حضور خدا قربانی می کردند. این قربانی ها وسیله پوشانیدن گناهان شان می شد و با پاک شدن از گناه برای خدا علیحده می شدند. قربانی حیثیت معاوضه را داشت که به عوض گنهکار کشته می شد. ریختن خون بر روی قربانگاه نشانه ای بود که گناهان کسیکه قربانی کرده است پوشانیده شده است، خوشبویی قربانی سوختنی نشانه ای بود که عدالت خدا در مورد گناه اجرا شده است و خوردن غذای قربانی نشانه ای حقیقی مشارکت با خدا بود. گوشت هر قربانی را نمک می زدند و نمک گوشت را از خراب شدن محافظت می کرد و این نشانه ای بود از عهد استوار و غیر قابل شکست خدا.

البته که این قربانی ها نمی توانستند حقیقتاً جرم گناه را پاک بسازند، اما یک وسیله بود برای

نشان دادن بنی اسرائیل که آنها به قربانی ضرورت دارند و نمونه‌ای بود از قربانی عیسی مسیح که در آینده برای همه قربان می‌شد.

فهرست مندرجات:

- قوانین و مقررات قربانی‌ها: فصل ۱ - ۷
- جدا ساختن و یا تقدیس کردن کاهنان: فصل ۸ - ۱۰
- قوانین در مورد پاک و ناپاک: فصل ۱۱ - ۱۵
- روز کفاره: فصل ۱۶
- تقدس خون: فصل ۱۷
- رفتار و روش پاک زندگی کردن: فصل ۱۸ - ۲۰
- تقدس و پاکی کاهنان: فصل ۲۱ - ۲۲
- مراسم و اشیای مقدس: فصل ۲۳ - ۲۵
- برکات و لعنت‌ها: فصل ۲۶
- نذرها: فصل ۲۷

قربانی سوختنی

۱-۲ خداوند از خیمهٔ عبادت موسی را فراخوانده به او فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که وقتی کسی برای خداوند قربانی می‌کند، قربانی او باید گاو، گوسفند یا بز باشد. ^۳ اگر برای قربانی سوختنی، گاو می‌آورد آن گاو باید نر و بی‌عیب باشد و برای اینکه مورد قبول خداوند قرار گیرد، آنرا به دهن دروازهٔ دخول خیمهٔ حضور خداوند قربانی کند. ^۴ آن شخص باید دست خود را بر سر قربانی بگذارد به این ترتیب آن قربانی قبول می‌شود و گناهان او را کفاره می‌کند. ^۵ بعد گاو را در حضور خداوند ذبح کند و پسران هارون که کاهنان هستند خون آن را گرفته بر اطراف قربانگاه که پیشروی دروازهٔ دخول خیمهٔ حضور خداوند است بپاشند. ^۶ آنگاه آن شخص قربانی را پوست و قطعه قطعه کند. ^۷ کاهنان، یعنی پسران هارون، هیزم را بر قربانگاه گذاشته، آتش را روشن کنند

^۸ و قطعات حیوان را با سر و چربی آن بالای هیزم بگذارند. ^۹ سپس آن شخص دل و روده و پاچه‌های حیوان را با آب بشوید و کاهنِ موظف همه را در آتش بالای قربانگاه بسوزاند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود مورد پسند خداوند قرار می‌گیرد.

^{۱۰} اگر گوسفند یا بز را برای قربانی می‌آورند، آن حیوان باید نر و بی‌عیب باشد. ^{۱۱} شخصی که آنرا می‌آورد، آنرا در سمت شمال قربانگاه در حضور خداوند سر ببرد. کاهنان، یعنی پسران هارون، خون آنرا گرفته به دورادور قربانگاه بپاشند. ^{۱۲} بعد آن شخص، قربانی را قطعه قطعه کرده کاهنِ موظف آن قطعات را با سر و چربی آن بر هیزم بالای قربانگاه قرار دهد. ^{۱۳} اما آن شخص دل و روده و پاچه حیوان را با آب شسته و کاهن همه را بالای قربانگاه بسوزاند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود، مورد پسند خداوند قرار می‌گیرد.

^{۱۴} اگر شخصی پرنده‌ای را برای قربانی می‌آورد، آن پرنده باید یک قمری یا یک کبوتر جوانه باشد. ^{۱۵} کاهن آن را به قربانگاه آورده سرش را بکند و بر قربانگاه بسوزاند. بعد خون آن را بر پهلو قربانگاه بریزد. ^{۱۶} سنگدان و مواد داخل آن را بیرون کرده با پرهایش بطرف شرق قربانگاه، در خاکستر دانی بیندازد. ^{۱۷} بعد از بالهای آن گرفته پرنده را از وسط پاره کند، اما پرنده باید دو تکه نشود. آنگاه کاهن آن را بر هیزم بالای قربانگاه بسوزاند. بوی این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می‌شود مورد پسند خداوند قرار می‌گیرد.

هدیه آردی

^۱ ^۲ اگر کسی برای خداوند هدیه آردی می‌آورد، آن هدیه باید از آرد اعلی باشد و باید بر آن روغن بریزد و کُندر را بالای آن قرار دهد. ^۲ همه آن هدیه به کاهن داده شود. کاهن یک مشت از آن را با روغن و کُندر که نمونه تمام آن هدیه است گرفته بر قربانگاه بسوزاند. بوی این قربانی که بر آتش تقدیم می‌شود، برای خداوند خیلی گوارا است. ^۳ بقیه آرد به پسران هارون تعلق می‌گیرد و حصه‌ای که به کاهنان داده می‌شود بسیار مقدس است، زیرا که برای خداوند تقدیم شده است.

^۴ اگر هدیه آردی در تنور پخته شده باشد، باید از خمیر بدون مایه و آرد اعلی تهیه و با روغن مخلوط شده باشد. از نان بدون خمیرمایه که روی آن با روغن زیتون چرب شده باشد هم می توان بعنوان هدیه استفاده کرد.

^۵ هرگاه هدیه آردی بر تابه پخته شود، باید از آرد اعلی، بدون خمیرمایه و با روغن مخلوط شده باشد. ^۶ آن را باید تکه تکه کند و بر آن روغن بریزد و بعنوان هدیه آردی تقدیم شود.

^۷ اگر هدیه آردی در کرائی پخته شود باید از آرد اعلی و با روغن تهیه شده باشد. ^۸ هدیه های آردی باید به کاهن داده شود تا آن را به قربانگاه برده بحضور خداوند تقدیم کند. ^۹ و کاهن باید یک حصه هدیه را گرفته بعنوان نمونه بر قربانگاه بسوزاند. بوی این هدیه که بر آتش تقدیم می شود مورد پسند خداوند قرار می گیرد. ^{۱۰} باقیمانده هدیه آردی به هارون و پسرانش تعلق می گیرد. این حصه ای که به آن ها داده می شود بسیار مقدس است، زیرا قسمتی از هدیه ای است که برای خداوند تقدیم شده است.

^{۱۱} همه هدیه های آردی که برای خداوند تقدیم می شوند باید از خمیر بدون مایه تهیه شده باشد. استفاده از خمیرمایه و عسل برای هدیه ای که بحضور خداوند تقدیم می شود جایز نیست. ^{۱۲} هدیه میوه نو را که برای خداوند می آورید نباید آن را بر قربانگاه بسوزانید. ^{۱۳} همه هدیه های آردی باید نمکی باشند، زیرا نمک یادگار پیمان خداوند است که با شما بست، پس همه هدیه های آردی باید نمک زده شوند.

^{۱۴} هرگاه از محصول نو خود برای خداوند هدیه آردی تقدیم می کنید باید دانه ها را از خوشه های تازه جدا نموده آن ها را بکوبید و برشته کنید. ^{۱۵} بعد بر آن روغن بریزید و بالای آن کُندر بگذارید، زیرا که این هم یک نوع هدیه آردی است. ^{۱۶} سپس کاهن یک حصه دانه های کوبیده شده را با روغن و کُندر بعنوان نمونه بر آتش بسوزاند و برای خداوند تقدیم کند.

^۳ هرگاه کسی بخواهد برای خداوند قربانی سلامتی تقدیم کند، می‌تواند از گاو نر یا ماده، اما سالم و بی‌عیب استفاده کند.^۲ دست خود را بر سر حیوان گذاشته به دهن دروازهٔ خیمهٔ حضور خداوند سرش را ببرد و کاهنان، یعنی پسران هارون خون قربانی را به دورادور قربانگاه بپاشند.^{۳-۵} چربوی داخل شکم، تمام چربی و روده‌ها، دو گرده با چربوی روی آن‌ها و بهترین قسمت جگر را بعنوان قربانی سوختنی برای خداوند جدا کنند. آنگاه کاهنان آن‌ها را بعنوان خوراک برای خداوند بر هیزم بالای قربانگاه بسوزانند. این قربانی که بر آتش تقدیم می‌شود مورد پسند خداوند قرار می‌گیرد.

^۴ اگر کسی گوسفند یا بز را برای قربانی سلامتی می‌آورد، فرقی نمی‌کند که آن حیوان نر است یا ماده، اما باید سالم و بی‌عیب باشد.^۷ هرگاه حیوان قربانی، گوسفند باشد،^۸ آن شخص باید دست خود را بر سر قربانی گذاشته به دهن دروازهٔ خیمهٔ حضور خداوند سر آنرا ببرد و بعد کاهنان خون آن را گرفته به چهار طرف قربانگاه بپاشند.^۹ سپس چربی، تمام دنبه، روده‌ها و چربی روی آن‌ها،^{۱۰} گرده‌ها و چربوی روی آن‌ها و بهترین قسمت جگر را بعنوان قربانی روی آتش برای خداوند جدا کنند.^{۱۱} آنگاه کاهن همهٔ آن‌ها را بعنوان خوراک برای خداوند بر قربانگاه بسوزاند.

^{۱۲} هرگاه کسی بز را برای قربانی می‌آورد،^{۱۳} دست خود را بر سر حیوان گذاشته به دم دروازهٔ خیمهٔ حضور خداوند آنرا بکشد. کاهنان خون قربانی را گرفته به گرداگرد قربانگاه بپاشند.^{۱۴} سپس همه چربی اعضای داخلی،^{۱۵} گرده‌ها با چربوی روی آن‌ها و بهترین قسمت جگر آن را جدا کنند.^{۱۶} و کاهن همهٔ آن‌ها را بعنوان خوراک برای خداوند بر آتش بالای قربانگاه بسوزاند. این قربانی که بر آتش تقدیم می‌شود مورد پسند خداوند واقع می‌گردد. تمام چربی آن حیوان به خداوند تعلق دارد.^{۱۷} شما نباید خون و یا چربی را بخورید. این فریضهٔ است ابدی برای شما و همه نسل‌های آیندهٔ تان در هر جایی که باشند.»

قربانی گناه

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که هرگاه کسی سهواً گناه کند و یکی از احکام خداوند را که به آن‌ها داده است بجا نیاورد، باید مطابق مقررات ذیل عمل کند:

^۳ اگر از کاهن اعظم گناهی سر بزند، همه قوم گناهکار محسوب می‌شوند. پس او باید برای کفاره گناه خود یک گوساله را که سالم و بی‌عیب باشد برای خداوند تقدیم کند. ^۴ گوساله را به دم دروازه خیمه حضور خداوند آورده دست خود را بر سر آن بگذارد و در حضور خداوند سر آن را ببرد. ^۵ آنگاه کاهن اعظم خون قربانی را گرفته به خیمه حضور خداوند ببرد؛ ^۶ در آنجا انگشت خود را در خون فروبرده در حضور خداوند خون را هفت بار در پیشروی پرده جایگاه مقدس بپاشد. ^۷ بعد در حضور خداوند کمی از آن خون را بر چهار کنج قربانگاه که در داخل خیمه حضور خداوند است بمالد. بقیه خون را در پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک دروازه دخول خیمه حضور خداوند است بریزد. ^۸ بعد کاهن تمام چربی قربانی گناه و چربی اعضای داخلی، ^۹ گرده‌ها و چربی روی آن‌ها و بهترین قسمت جگر آن را جدا کند ^{۱۰} و همه را بر قربانگاه قربانی سوختنی، مثل چربی گاو قربانی سلامتی، بسوزاند. ^{۱۱-۱۲} اما پوست، گوشت، کله، پاچه، اعضای داخلی بشمول روده‌ها و سرگین قربانی را به یک محل پاک، در بیرون اردوگاه، جایی که خاکستر را می‌اندازند برده بالای هیزم بسوزاند.

^{۱۳} هرگاه تمام قوم اسرائیل سهواً مرتکب گناه شوند و یکی از احکام خداوند را بجا نیاورند، هرچند خطای شان قصداً نباشد، گناهکار محسوب می‌شوند. ^{۱۴} وقتی گناه شان آشکار گردد، آن‌ها باید گوساله‌ای را بعنوان قربانی گناه به خیمه حضور خداوند بیاورند. ^{۱۵} بزرگان قوم بحضور خداوند دستهای خود را بر سر گوساله گذاشته در آنجا سرش را ببرند. ^{۱۶} بعد کاهن اعظم خون گوساله را به خیمه بیاورد ^{۱۷} و انگشت خود را در خون فروبرده در حضور خداوند هفت بار در پیشروی پرده بپاشد. ^{۱۸} و سپس کمی از خون را بر چهار کنج قربانگاه که در بین خیمه حضور خداوند است بمالد و باقیمانده خون را در پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک

دروازهٔ دخول خیمهٔ حضور خداوند است بریزد.^{۱۹} تمام چربی آن باید بر قربانگاه سوزانده شود.
^{۲۰} و کاهن همان کاری را که با گوسالهٔ قربانی گناه کرد با این گوساله هم بکند. به این ترتیب
گناهان قوم کفاره شده همگی بخشیده می‌شوند.^{۲۱} بعد گوسالهٔ قربانی شده را به بیرون اردوگاه
برده آن را مثل گوسالهٔ اول بسوزاند. با این قربانی، تمام قوم از گناه پاک می‌شوند.

^{۲۲} هرگاه یکی از حاکمان سهواً مرتکب گناه شود و یکی از احکام خداوند، خدای خود را زیر پا
گذارد، گناهکار محسوب می‌گردد.^{۲۳} و وقتی از گناه خود آگاه شود، یک بز نر را که سالم و
بی‌عیب باشد برای قربانی بیاورد.^{۲۴} دست خود را بر سر بز بگذارد و در حضور خداوند در جائی
که قربانی سوختنی را ذبح می‌کنند سرش را ببرد؛ این حیوان، قربانی گناه او است.^{۲۵} بعد کاهن
کمی از خون بز را گرفته با انگشت خود بر چهار کنج قربانگاه قربانی سوختنی بمالد و باقیماندهٔ
خون را در پای قربانگاه بریزد.^{۲۶} تمام چربی آنرا مثل چربی قربانی سلامتی بر قربانگاه بسوزاند.
به این ترتیب کاهن گناه او را کفاره می‌کند و گناه او بخشیده می‌شود.

^{۲۷} هرگاه یکی از قوم سهواً گناه کند و از یکی از احکام خداوند سرپیچی نماید، مقصر شمرده
می‌شود.^{۲۸} وقتی به گناه خود پی بُرد، یک بز میش را که سالم و بی‌عیب باشد برای کفارهٔ گناه
خود بیاورد.^{۲۹} آنگاه دست خود را بر سر قربانی گذاشته به جائی که قربانی سوختنی را می‌کشند
سرش را ببرند.^{۳۰} و کاهن کمی از خون بز را گرفته با انگشت خود به چهار کنج قربانگاه قربانی
سوختنی بمالد و باقیماندهٔ خون را در پای قربانگاه بریزد.^{۳۱} و کاهن تمام چربی آنرا مثل چربی
قربانی سلامتی جدا کرده بر سر قربانگاه بسوزاند و بوی آن مورد پسند خداوند قرار می‌گیرد. به
این ترتیب کاهن کفارهٔ گناه او را کرده از گناه پاک می‌شود.

^{۳۲} هرگاه آن شخص بخواهد بره‌ای را قربانی کند، یک برهٔ ماده را که سالم و بی‌عیب باشد
بیاورد.^{۳۳} آنگاه دست خود را بر سر حیوان گذاشته آن را بعنوان قربانی گناه در جائی که قربانی
سوختنی را می‌کشند سر بُرد.^{۳۴} بعد کاهن کمی از خون برهٔ قربانی را گرفته با انگشت خود به
چهار کنج قربانگاه قربانی سوختنی بمالد و باقیماندهٔ خون را در پای قربانگاه بریزد.^{۳۵} سپس

تمام چربی آن را مثل چربی برهٔ قربانی سلامتی جدا کرده بر سر قربانگاه سوختانده شود و کاهن آن را مانند قربانی هائی که بر آتش برای خداوند تقدیم می‌گردند، بسوزاند. به این ترتیب کاهن گناه او را کفاره کرده و آن شخص از گناہانی که مرتکب شده است بخشیده می‌شود.

لزوم قربانی گناه

۵ قربانی گناه در موارد ذیل واجب می‌شود: اگر کسی از گناه کسی اطلاع داشته باشد و از آنچه که دیده و یا آگاه شده است در محکمه شهادت ندهد، گناهکار شمرده می‌شود.^۲ یا اگر کسی سهواً به لاشهٔ یک حیوان مرده که نظر به حکم شریعت نجس محسوب می‌شود دست بزند و بعد متوجه گردد که سهو کرده است، مجرم می‌باشد.^۳ اگر کسی سهواً نجاست انسان را لمس کند و وقتی متوجه خطای خود گردد، گناهکار محسوب می‌شود.^۴ یا اگر شخصی غفلتاً قسم بخورد که کار خوب یا بد می‌کند و بعد متوجه شود که چه کار کرده است، خطاکار می‌باشد.^۵ اگر کسی در یکی از این موارد مجرم باشد، باید به گناه خود اعتراف کند^۶ و برای کفارهٔ گناه خود یک گوسفند یا بز میش را برای قربانی به حضور خداوند بیاورد و کاهن آنرا برایش قربانی کند.

قربانی گناه برای مردم نادار

^۷ اما اگر شخص مجرم بنا بر مضیقهٔ مالی نتواند گوسفند یا بز را تهیه کند، بجای آن می‌تواند دو قمری یا دو کبوتر جوانه بیاورد - یکی را جهت قربانی گناه و دیگری را برای قربانی سوختنی.^۸ آن‌ها را به کاهن بدهد و او اول پرنده‌ای را که برای قربانی گناه آورده است بگیرد، سرش را ببرد اما از تنش جدا نکند.^۹ بعد کمی از خون قربانی گناه را گرفته بر سر قربانگاه بپاشد و بقیه را در پای قربانگاه بریزد. این قربانی برای کفارهٔ گناه است.^{۱۰} سپس پرندهٔ دوم را طبق مقررات شریعت، بعنوان قربانی سوختنی تقدیم کند. به این ترتیب، کاهن کفارهٔ گناهی را می‌کند که آن

شخص مرتکب شده است و از گناه پاک می‌شود.

^{۱۱} اگر بازهم قدرت خرید دو قمری یا دو کبوتر را نداشته باشد، پس بعوض، یک کیلو آرد اعلی جهت قربانی گناه بیاورد، اما نباید آنرا با روغن زیتون مخلوط کند و یا کُندر بر آن بگذارد، زیرا این، قربانی گناه می‌باشد. ^{۱۲} بعد آرد را به کاهن بدهد و او یک مشت آرد را بعنوان نمونه گرفته برای خداوند بر سر قربانگاه بسوزاند. این، قربانی گناه است. ^{۱۳} به این ترتیب، کاهن کفاره گناه او را در هر یک از این موارد می‌کند و گناه آن شخص بخشیده می‌شود. باقیمانده این قربانی، مثل هدیه آردی، به کاهن تعلق می‌گیرد.»

مقررات قربانی غرامت

^{۱۴} خداوند به موسی فرمود: ^{۱۵} «اگر شخصی سهواً در دادن نذری که در نظر خداوند مقدس است، کوتاهی کرده باشد، او باید قوچی را که سالم و بی‌عیب باشد، بعنوان قربانی جبران خطا برای خداوند بیاورد. قیمت آن قوچ باید مطابق نرخ روز، معادل نقره تعیین شده باشد. این قربانی، قربانی جبران خطا می‌باشد. ^{۱۶} بر علاوه پرداخت قرض، او باید بیست فیصد آنرا هم به آن بیفزاید و به کاهن بدهد. کاهن با آن قربانی، کفاره خطای او را کرده آن شخص از گناه پاک می‌شود.»

^{۱۷} هرگاه شخصی سهواً از بجا آوردن یکی از احکام خداوند غفلت ورزد، مجرم می‌باشد و باید جرم آن را بپردازد. ^{۱۸} او باید یک قوچ را که سالم و بی‌عیب باشد بیاورد و قیمت آن به نرخ روز تعیین شده باشد. کاهن آن قوچ را به عنوان کفاره خطای او تقدیم کند تا از گناه پاک شود. ^{۱۹} این، قربانی جبران خطا است، چون او در حضور خداوند مجرم می‌باشد.»

^۶ خداوند این هدایات را به موسی داد: ^۲ «هرگاه شخصی در مقابل خداوند مرتکب گناهی شود و از پس دادن چیزی که پیش او گرو گذاشته امتناع ورزد، یا در امانت خیانت نماید، یا

دزدی کند، یا مال همسایه را بزور بگیرد^۳ و یا چیزی را که یافته است پنهان کند و قسم بخورد که پیش او نیست،^{۴-۵} وقتی که گناه او ثابت شود، باید چیزی را که دزدیده است مسترد کند و بر علاوه بیست فیصد قیمت اصل مال را به آن اضافه کرده به صاحبش بدهد.^۶ برای اینکه خطای او جبران گردد، یک قوچ را که سالم و بی عیب و قیمت آن مطابق نرخ روز باشد برای کاهن ببرد تا بحضور خداوند قربانی کرده خطایش بخشیده شود.^۷ کاهن با این قربانی در حضور خداوند گناه او را کفاره می کند تا از آن گناه پاک شود.»

مقررات قربانی سوختنی

^۸ خداوند به موسی فرمود: ^۹ «به هارون و پسرانش بگو که مقررات قربانی سوختنی به این قراراند: قربانی سوختنی باید تمام شب بر قربانگاه بماند و آتش هم روشن باشد.^{۱۰} بعد کاهن زیرجامه و لباس کتانی خود را پوشیده خاکستر قربانی سوختنی را جمع کرده در پهلوی قربانگاه بگذارد.^{۱۱} سپس لباس خود را تبدیل کند و خاکستر را بیرون اردوگاه برده در یک جای پاک بیندازد.^{۱۲} آتش بالای قربانگاه همیشه افروخته باشد و هیچگاهی خاموش نشود و کاهن هر صبح هیزم تازه بر آن بگذارد و قربانی سوختنی را بالای آن قرار دهد و چربی قربانی سلامتی را بر آن بسوزاند.^{۱۳} آتش بالای قربانگاه باید همیشه روشن بماند و خاموش نشود.»

مقررات هدیه آردی

^{۱۴} مقررات هدیه آردی به این ترتیب اند: پسران هارون وقتی هدیه آردی را بحضور خداوند تقدیم می کنند، باید در پیشروی قربانگاه بایستند.^{۱۵} بعد یک مشت از آرد اعلی و آمیخته با روغن و کُندری که بالای آن است گرفته بعنوان نمونه بر سر قربانگاه بسوزانند. بوی این هدیه مورد پسند خداوند قرار می گیرد.^{۱۶-۱۷} باقیمانده آن به کاهنان تعلق می گیرد تا از آن برای خوراک خود استفاده کنند و این آرد باید بدون خمیرمایه پُخته شده باشد و در یک جای پاک، یعنی در صحن خیمه حضور خداوند خورده شود. این قسمت هدیه را خداوند بعنوان هدیه

آردی به کاهنان داده است و مثل قربانی گناه و قربانی جبران خطا مقدس می باشد.^{۱۸} اولادۀ ذکور هارون نسل به نسل می توانند از این حصۀ قربانی بخورند، اما اگر هرکس دیگر به آن قربانی دست بزند صدمه می بیند.»

^{۱۹-۲۰} خدا همچنین به موسی فرمود: «هارون و هر کدام از پسرانش در وقتی که به مقام کاهنی تقدیس می شوند، باید یک کیلو آرد (به اندازه هدیۀ آردی روزانه) بحضور خداوند بیاورند. نیم آن را در صبح و نیم دیگر آن را در وقت شام تقدیم کنند.^{۲۱} آرد باید با روغن مخلوط و بر تابه پخته شود بعد آن را تکه تکه کرده بعنوان هدیه آردی بحضور خداوند تقدیم گردد. بوی این هدیه برای خداوند گوارا می باشد.^{۲۲} هر کدام از پسران هارون در روزی که بحیث کاهن انتخاب می شود، همین هدیه را باید بحضور خداوند تقدیم کند و این، یک فریضۀ ابدی برای آن ها می باشد.^{۲۳} همه هدیه های آردی باید کاملاً بسوزند و خورده نشوند.»

مقررات قربانی گناه

^{۲۴-۲۵} خداوند به موسی فرمود: «پسران هارون باید این مقررات را در مورد قربانی گناه رعایت کنند: در جایی که قربانی سوختنی ذبح می شود، قربانی گناه را هم بحضور خداوند سر ببرند. این قربانی، مقدس ترین قربانی ها است.^{۲۶} کاهنی که حیوان را قربانی می کند گوشت آن را در صحن خیمۀ حضور خداوند که یک جای مقدس است، بخورد.^{۲۷} هر کس و هر چیزی که به گوشت آن قربانی دست بزند صدمه می بیند. و اگر لباس کسی با خون قربانی آلوده شود باید آنرا در یک جای مقدس بشوید.^{۲۸} و ظرف گلی را که گوشت قربانی در آن پخته می شود باید بشکنند؛ اما اگر گوشت قربانی در یک ظرف مسی پخته شود، باید آن ظرف را پاک کرده با آب بشویند.^{۲۹} فرزندان ذکور کاهنان می توانند از آن قربانی بخورند. این قربانی بسیار مقدس است.^{۳۰} اما گوشت قربانی گناه که خون آن برای کفارۀ گناه به خیمۀ حضور خداوند آورده می شود خورده نشود، بلکه تمام آن را در آتش بسوزانند.

مقررات قربانی جبران خطا

۷^۱ مقررات قربانی جبران خطا که یک قربانی بسیار مقدس است، بدین قراراند: ^۲ در آنجائی که مراسم قربانی سوختنی را اجراء می‌کنند باید قربانی جبران خطا را ذبح کرد و خون آن بر چهار طرف قربانگاه پاشیده شود. ^{۳-۴} بعد تمام چربی آن را با دنبه، چربوی روی اجزای داخل شکم، گرده‌ها و چربی روی آن‌ها و بهترین قسمت جگر را جدا کرده بر قربانگاه قرار بدهد. ^۵ سپس کاهن همه را بعنوان قربانی جبران خطا برای خداوند بر سر قربانگاه بسوزاند. ^۶ هر فرد ذکور خانواده کاهنان می‌تواند گوشت این قربانی را بخورد. این قربانی بسیار مقدس است.

۷^۲ مقررات قربانی گناه و قربانی جبران خطا یکسان‌اند. گوشت قربانی حق کاهنی است که آنرا اجراء می‌کند. ^۸ همچنان پوست قربانی سوختنی به کاهنی که مأمور اجرای آن است تعلق می‌گیرد. ^۹ همه هدیه‌های آردی که در تنور، تابه و یا کرائی پخته می‌شوند متعلق به کاهنی است که آن‌ها را اجراء می‌کند. ^{۱۰} و هر هدیه آردی، خواه روغنی باشد خواه خشک، باید بین پسران کاهنان مساویانه تقسیم شود.

مقررات قربانی سلامتی

۱۱^۱ مقررات قربانی سلامتی که برای خداوند تقدیم می‌شود به این ترتیب‌اند: ^{۱۲} اگر قربانی برای شکرگزاری باشد، پس او باید آن را با نانهای که بدون خمیرمایه پخته و با روغن زیتون مخلوط شده باشند و همچنین با قرص‌های نازکی که با روغن، چرب و از آرد اعلی و بدون خمیرمایه تهیه شده باشد تقدیم کند. ^{۱۳} بر علاوه، با این قربانی، نان‌هایی که با خمیرمایه پخته شده باشد نیز تقدیم گردد. ^{۱۴} و از هر قسم نان یک حصه را بعنوان هدیه مخصوص برای خداوند تقدیم کند. این حصه به کاهنی تعلق می‌گیرد که خون حیوان قربانی شده را بر سر قربانگاه می‌پاشد. ^{۱۵} گوشت حیوان قربانی سلامتی باید در همان روزی که برای شکرگزاری تقدیم می‌گردد خورده شود و تا صبح روز بعد باقی نماند.

^{۱۶} هرگاه قربانی دلخواه و یا نذری باشد، گوشت آن باید در همان روزی که آن را تقدیم می‌کند خورده شود و اگر چیزی از قربانی باقی بماند روز دیگر آن را بخورند. ^{۱۷} اما اگر چیزی از آن، تا روز سوم باقی بماند، باید در آتش سوختانده شود. ^{۱۸} و هرگاه گوشت قربانی در روز سوم خورده شود، خداوند آن قربانی را نمی‌پذیرد و بحساب نمی‌آورد، زیرا گوشت آن مکروه شده است و هر کسی که آنرا بخورد خطاکار محسوب می‌شود.

^{۱۹} گوشتی که با یک چیز ناپاک تماس کند باید خورده نشود و باید آنرا در آتش بسوزانند. گوشت قربانی را تنها کسانی که پاک و طاهر هستند می‌توانند بخورند. ^{۲۰} اما هرگاه کسی که پاک و طاهر نباشد از گوشت قربانی سلامتی که برای خداوند تقدیم می‌شود بخورد، باید از بین قوم طرد گردد. ^{۲۱} همچنین اگر کسی به یک چیز نجس دست بزند - خواه نجاست انسان باشد یا از حیوان یا از هر چیز دیگر - و آنگاه گوشت قربانی سلامتی را که برای خداوند تقدیم شده است بخورد، آن شخص باید از بین قوم برگزیده خدا طرد شود.»

^{۲۲-۲۳} خداوند به موسی فرمود که این هدایات را به قوم اسرائیل بدهد: «شما نباید چربی گاو، گوسفند یا بز را بخورید. ^{۲۴} چربی حیوان مُرده و یا از حیوانی که ذریعهٔ یک جانور وحشی دریده شده باشد، هرگز خورده نشود، بلکه از آن چربی برای کار دیگری استفاده گردد. ^{۲۵} چربی حیوانیکه بر آتش برای خداوند تقدیم شده باشد نباید خورده شود و هر کسی که آنرا بخورد باید از بین قوم برگزیده خداوند طرد گردد. ^{۲۶} بر علاوه، شما در هر جایی که باشید، باید هرگز خون را نخورید - چه خون پرنده باشد یا از حیوان چهارپا. ^{۲۷} و هر کسی که خون را بخورد باید از بین قوم برگزیده خداوند طرد گردد.»

^{۲۸-۲۹} خداوند به موسی فرمود که قوم اسرائیل باید مقررات ذیل را مراعات کنند: «کسی که می‌خواهد قربانی سلامتی را ادا نماید، باید یک حصهٔ آن را به عنوان هدیهٔ مخصوص برای خداوند بیاورد. ^{۳۰} و با دست خود آن قربانی را بر آتش برای خداوند تقدیم کند و چربی و سینه را بحضور خداوند تکان بدهد. ^{۳۱} بعد کاهن چربی را بر قربانگاه بسوزاند، اما سینه سهم هارون

و پسرانش می‌باشد. ^{۳۲-۳۳} ران راست قربانی باید به عنوان سهمیه مخصوص به کاهنی که خون و چربی قربانی سلامتی را تقدیم می‌کند، داده شود. ^{۳۴} زیرا خداوند سینه و ران قربانی سلامتی را از قوم اسرائیل گرفته آن‌ها را بعنوان سهمیه مخصوص به هارون و پسرانش داده است، بنابراین قوم اسرائیل باید آن‌ها را همیشه به کاهنان بدهند. ^{۳۵} این حصه از قربانی هائی که بر آتش برای خداوند تقدیم می‌شوند، در وقتی که هارون و پسرانش به وظیفه شان برای خدمت به خداوند تقدیس می‌گردند به آن‌ها داده شود. ^{۳۶} خداوند امر فرموده است که قوم اسرائیل آن قسمت قربانی را در روز انتخاب کاهنان به آن‌ها بدهند و این فریضة ابدی بالای تمام نسلهای آینده‌شان باشد.»

^{۳۷-۳۸} اینها مقرراتی هستند که باید در مورد قربانی‌های سوختنی، آردی، جبران خطا، تقدیس و سلامتی رعایت شوند که خداوند بر کوه سینا، در بیابان به موسی داد تا قوم اسرائیل طبق آن مقررات قربانی‌های خود را تقدیم کنند.

انتخاب و مراسم تقدیس کاهنان

(همچنین در خروج ۱:۲۹ - ۳۷)

^{۱-۳} خداوند به موسی فرمود: «هارون و پسرانش را با لباس مخصوص کاهنی، روغن مسح، گوساله قربانی گناه، دو قوچ و یک تگری نان بدون خمیرمایه به دم دروازه خیمه حضور خداوند بیاور و تمام قوم اسرائیل را هم در آنجا جمع کن.»

^۴ موسی طبق هدایت خداوند رفتار نمود و وقتیکه همه قوم اسرائیل جمع شدند، ^۵ موسی به آن‌ها گفت: «کاری را که حالا می‌خواهم بکنم مطابق فرمان خداوند است.»

^۶ پس موسی هارون و پسرانش را آورد و آن‌ها را با آب غسل داد ^۷ و پیراهن و چین را به تن هارون کرد و کمر بند را به کمرش بست. بعد ایفود را داد که بالای لباس خود بپوشند و کمر بندی

را که با مهارت خاصی بافته شده بود بدور کمر ببندد.^۸ و سینه‌پوش را بالای آن بست و اوریم و تمیم در آن گذاشت.^۹ سپس قراریکه خداوند به موسی هدایت داده بود، دستار را به سر هارون بست و بر سر دستار نیم‌تاجی از طلا را قرار داد.

^{۱۰} آنگاه موسی روغن مسح را گرفته بر خیمه حضور خداوند و همه چیزهایی که در آن بود پاشید و تقدیس کرد.^{۱۱} بعد قدری از آن روغن را گرفت و هفت مرتبه بر قربانگاه و تمام ظروف آن، حوضچه و پایه‌اش پاشید و آن‌ها را هم تقدیس نمود.^{۱۲} و یک کمی از روغن مسح را بر سر هارون ریخت و او را برای وظیفه کاهنی مسح و تقدیس کرد.^{۱۳} بعد موسی طبق امر خداوند پسران هارون را آورد و پیراهن را به تن شان کرد، کمر بند را به کمر شان بست و کلاه را بر سر شان گذاشت.

^{۱۴} آنگاه گاو قربانی گناه را آورد. هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر آن گذاشتند.^{۱۵} بعد موسی سر گاو را برید و کمی از خون آن را با انگشت خود بر چهار کنج قربانگاه مالید و باقیمانده خون را در پای قربانگاه ریخت و آن را تقدیس نمود و برایش کفاره کرد.^{۱۶} سپس موسی تمام چربی داخل شکم، بهترین قسمت جگر و گرده‌ها را با چربی روی آن‌ها بر سر قربانگاه سوختاند.^{۱۷} اما بقیه گاو را بشمول پوست، گوشت و روده‌های آن در بیرون اردوگاه برده قرار امر خداوند همه را سوختاند.

^{۱۸} بعد قوچ قربانی سوختنی را آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را بر سر آن گذاشتند.^{۱۹} و موسی آن را ذبح کرد و خون آن را به دورادور قربانگاه پاشید.^{۲۰} وقتی قوچ را قطعه قطعه کرد آن‌ها را با کله و چربوی قوچ سوختاند.^{۲۱} و بعد از آنکه اجزای داخلی حیوان را با پاچه‌های آن با آب شست همه را بر قربانگاه سوختاند و همان طوری که خداوند فرموده بود آن را بعنوان قربانی سوختنی بر آتش تقدیم کرد و بوی آن برای خداوند گوارا بود.

^{۲۲} آنگاه یک قوچ دیگر را به منظور تقدیس کاهنان آورد و هارون و پسرانش دستهای خود را بر

سر آن گذاشتند.^{۲۳} موسی آن را ذبح کرد و قدری از خون آن را بر نرمی گوش راست و شست دست راست و شست پای راست هارون مالید.^{۲۴} بعد پسران هارون را آورد کمی از خون قوچ را بر نرمی گوش راست، شست دست راست و شست پای راست پسران هارون مالید و بقیه خون را بر چهار طرف قربانگاه ریخت.^{۲۵-۲۶} آنگاه چربی، دنبه، تمام چربوی اجزای داخلی، بهترین قسمت جگر، گرده‌ها با چربی روی آن‌ها و ران آن را گرفت و بعد از بین تگری نان بدون خمیرمایه که به پیشگاه خداوند تقدیم شده بود، یک قرص نان روغنی و یک نان نازک را گرفته آن‌ها را بر ران راست قرار داد.^{۲۷} و همه آن‌ها را بر دستهای هارون و پسرانش گذاشت تا بعنوان هدیه مخصوص تکان داده برای خداوند تقدیم کنند.^{۲۸} آنگاه موسی همه را از دست آن‌ها گرفت و با قربانی سوختنی بعنوان قربانی تقدیس بر قربانگاه سوختاند که بوی آن برای خداوند گوارا بود.^{۲۹} بعد موسی سینه قوچ را گرفت بعنوان هدیه مخصوص بحضور خداوند تکان داد. این قسمتِ قربانی را موسی، قرار امر خداوند برای خود گرفت.^{۳۰} آنگاه موسی یک مقدار از روغن مسح را با کمی از خونی که بر قربانگاه بود گرفته بر هارون و پسرانش و لباسهای شان پاشید. به این ترتیب موسی، هارون و پسرانش را با لباسهای شان تقدیس کرد.

^{۳۱} موسی به هارون و پسرانش گفت: «قراریکه خداوند فرموده است گوشت را به دهن دروازه خیمه حضور خداوند بپز و تو و پسرانت در همانجا با نان انتصاب روحانی که در تگری است بخورید.^{۳۲} و باقیمانده گوشت و نان را در آتش بسوزان.^{۳۳} و تا که روزهای تقدیس تان بسر نرسد نباید از دروازه خیمه حضور خداوند خارج شوید، زیرا میعاد تقدیس مدت هفت روز را در بر می‌گیرد.^{۳۴} آنچه را که امروز انجام دادید مطابق فرمان خداوند بود تا گناهان تان کفاره و بخشیده شوند.^{۳۵} شما باید هفت شبانه روز به دم دروازه خیمه حضور خداوند بمانید و آنچه را که خداوند فرموده است انجام دهید، ورنه خواهید مُرد، زیرا خداوند چنین امر فرموده است.»^{۳۶} پس، هارون و پسرانش همان طوریکه خداوند به موسی هدایت فرموده بود عمل کردند.

مراسم قربانی برای کاهنان

^۹ در روز هشتم، موسی، هارون و پسرانش را همراه با مشایخ قوم اسرائیل جمع کرد ^۲ و به هارون گفت: «یک گوساله و یک قوچ را که سالم و بی عیب باشند بگیر و بحضور خداوند تقدیم نما. گوساله را برای قربانی گناه و قوچ را برای قربانی سوختنی ذبح کن. ^۳ و به قوم اسرائیل بگو: یک بز نر را برای قربانی گناه و یک گوساله و یک بره را که هر دو یکساله، بی عیب و سالم باشند بعنوان قربانی سوختنی بیاورند. ^۴ همچنین آن‌ها باید یک گاو و یک قوچ را جهت قربانی سلامتی با یک مقدار آرد که با روغن زیتون مخلوط شده باشد بعنوان هدیه آردی آورده بحضور خداوند تقدیم نمایند، زیرا امروز حضور خداوند را خواهند دید.»

^۵ آن‌ها همه چیزهایی را که موسی هدایت داده بود پیش خیمه حضور خداوند آوردند و تمام قوم اسرائیل برای پرستش خداوند در آنجا جمع شدند. ^۶ موسی به آن‌ها گفت: «خداوند فرموده است که امر او را بجا آورید، و جلال خداوند بر شما ظاهر خواهد شد.» ^۷ بعد موسی به هارون فرمود: «به نزدیک قربانگاه برو و قراریکه خداوند امر فرموده است برای کفاره گناهان خود و قوم اسرائیل، قربانی گناه و قربانی سوختنی را تقدیم کن.»

^۸ پس هارون به نزدیک قربانگاه رفت و گوساله قربانی گناه خود را ذبح کرد. ^۹ پسرانش خون قربانی را برای او آوردند و او انگشت خود را در آن فرو برد و به چهار کنج قربانگاه مالید و باقیمانده خون را در پای قربانگاه ریخت. ^{۱۰} و چربی، گرده‌ها و بهترین قسمت جگر را طبق فرمان خداوند به موسی، بر قربانگاه ^{۱۱} و گوشت و پوست قربانی را در بیرون اردوگاه در آتش سوختاند.

^{۱۲} بعد از آن هارون قربانی سوختنی را ذبح کرد و پسرانش خون قربانی را پیش او بردند و او آن را به چهار طرف قربانگاه پاشید. ^{۱۳} سپس کله و دیگر اجزای حیوان را برای هارون آوردند و او همه را در بالای قربانگاه سوختاند. ^{۱۴} و اجزای داخلی حیوان را با پاچه‌های آن شست و بر

^{۱۵} بعد هدیه‌های مردم را پیش هارون بردند و او بز قربانی گناه مردم را ذبح کرده مثل قربانی گناه خود، برای کفاره گناه مردم تقدیم نمود. ^{۱۶} و طبق مقررات، قربانی سوختنی آن‌ها را بحضور خداوند تقدیم کرد. ^{۱۷} بعد هدیه آردی را آورد و یک مشت از آن را گرفت و در پهلوی هدیه صبحگاهی بر قربانگاه سوختاند. ^{۱۸} سپس هارون گاو و قوچ را بعنوان قربانی سلامتی مردم ذبح کرد و پسرانش خون قربانی را برای او بردند و او آن را در چهار طرف قربانگاه پاشید. ^{۱۹} -
^{۲۰} بعد چربی، دنبه، چربوی روی اجزای داخلی، گرده‌ها و بهترین قسمت جگر گاو و قوچ را بر سینه حیوان قرار داده نزدیک قربانگاه برد و تمام چربی را بر قربانگاه سوختاند. ^{۲۱} اما سینه و ران راست را، طبق هدایت موسی، بعنوان هدیه مخصوص در حضور خداوند تکان داد.

^{۲۲} بعد از ختم مراسم، هارون دستهای خود را بطرف قوم اسرائیل دراز کرده آن‌ها را برکت داد و از قربانگاه فرود آمد. ^{۲۳} سپس موسی و هارون به خیمه حضور خداوند داخل شدند. و وقتی که از آنجا بیرون آمدند مردم را برکت دادند و جلال خداوند بر تمام قوم ظاهر گردید. ^{۲۴} آنگاه آتشی از حضور خداوند برخاست و قربانی سوختنی را که بر قربانگاه قرار داشت، بلعید. و چون تمامی قوم آن صحنه را دیدند، فریاد برآورده و به روی زمین به سجده افتادند.

مرگ ناداب و ابیهو

۱۰ ناداب و ابیهو، پسران هارون، هرکدام برخلاف امر خداوند آتشی را که مقدس نبود در منقل خود انداخته بخور را بر آن دود کردند. ^۲ ناگهان آتشی از حضور خداوند پیدا شد و آن‌ها را سوختاند و هردو جابجا در حضور خداوند مُردند. ^۳ آنگاه موسی به هارون گفت: «خداوند چنین فرمود: هر کسی خدمت مرا می‌کند باید به مقام مقدس خدائی من احترام داشته باشد تا در پیش قوم جلال یابم.» اما هارون خاموش ماند.

^۴ بعد موسی میثائیل و الصافان، پسران عزیزیل، کاکای هارون، را فراخوانده به آن‌ها گفت: «بیائید و جنازه‌های پسران کاکای تان را از این جای مقدس به خارج اردوگاه ببرید.»^۵ پس آن‌ها آمدند و از لباس اجساد گرفته طبق هدایت موسی آن‌ها را از اردوگاه بیرون بردند.

^۶ بعد موسی به هارون و پسرانش، اَلعازار و ایتامار فرمود: «موهای تان را پریشان و یخن خود را پاره نکنید، مبادا بمیرید و غضب خدا بر سر تمام قوم بیاید. اما قوم اسرائیل اجازه دارند که بخاطر این دو نفر که در اثر آتش خداوندی هلاک شدند عزاداری کنند.^۷ شما نباید از دروازهٔ خیمهٔ حضور خداوند بیرون بروید ورنه می‌میرید، زیرا روغن مسح خداوند بر سر شما است.» پس آن‌ها طبق هدایت موسی رفتار کردند.

قوانینی برای کاهنان

^{۸-۹} خداوند به هارون فرمود: «تو و پسرانت وقتی به خیمهٔ حضور خداوند داخل می‌شوید، هرگز شراب و یا مشروبات قوی ننوشید مبادا بمیرید. و این قانون برای همه نسلهای آینده یک فریضه است.^{۱۰} شما باید فرق بین مقدس و غیرمقدس و پاک و نجس را بدانید^{۱۱} و همه احکامی را که بوسیلهٔ موسی به تو داده‌ام، باید به تمام قوم اسرائیل تعلیم بدهی.»

^{۱۲} بعد موسی به هارون و پسرانش، اَلعازار و ایتامار گفت: «هدیهٔ آردی را که بر آتش برای خداوند تقدیم شده بود گرفته از آن نان بدون خمیرمایه بپزید و در کنار قربانگاه بخورید، زیرا این هدیه بسیار مقدس است.^{۱۳} شما باید آنرا در یک جای مقدس بخورید، زیرا که این هدیه‌ها سهم تو و پسرانت هستند از قربانی که بر آتش برای خداوند تقدیم شده است.^{۱۴} اما تو و خاندانت اجازه دارید که سینه و ران را که بعنوان هدیهٔ مخصوص برای خداوند تقدیم می‌شود بخورید و باید در یک جای پاک خورده شود، زیرا این هدیه به عنوان سهم تو و پسرانت، از قربانی سلامتی قوم اسرائیل داده شده است.^{۱۵} و مردم باید ران و سینهٔ قربانی را هنگام تقدیم چربی بر آتش، بیاورند و بعنوان هدیهٔ مخصوص بحضور خداوند تکان بدهند. طبق فرمودهٔ

خداوند آن ران و سینه همیشه سهم تو و فرزندان تو می باشند.»

^{۱۶} وقتی موسی بسراغ بز قربانی گناه رفت، دید که سوختانده شده است، لهذا بر اِعازار و ایتامار قهر شد و گفت: ^{۱۷} «چرا شما قربانی گناه را در یک جای پاک نخوردید؟ زیرا این قربانی مقدسترین قربانی ها است که به شما داده شده است تا گناه مردم اسرائیل کفاره شود. ^{۱۸} چون خون آن بداخل جایگاه مقدس برده نشده بود، قرار هدایت من باید قربانی را در همانجا می خوردید.» ^{۱۹} هارون به موسی گفت: «با وجودیکه آن ها قربانی گناه و قربانی سوختنی را تقدیم کردند این واقعه هولناک برای من رخداد، پس اگر گوشت قربانی را می خوردم، آیا خداوند از کار من راضی می شد؟» ^{۲۰} وقتی موسی دلیل او را شنید قانع شد.

حیوانات حلال و حرام

(همچنین در تثیبه ۱۴: ۳- ۲۱)

^{۱-۳} خداوند به موسی و هارون فرمود که به قوم اسرائیل چنین هدایت بدهند: «هر حیوانی که سُم آن دو شق باشد و نشخوار کند حلال است و می توانید گوشت آن را بخورید. ^{۴-۶} اما گوشت شتر، موش خُرما و خرگوش را نباید خورد، زیرا این حیوانات گرچه نشخوار می کنند، ولی سُم دو شق ندارند. ^۷ همچنین گوشت خوک هم حرام است، زیرا که هر چند سُم دو شق دارد، اما نشخوار نمی کند. ^۸ گوشت آن ها را نباید بخورید و به لاشه آن ها نباید دست بزنید، زیرا آن ها حیوانات حرام هستند.

^۹ از گوشت حیواناتی که در آب زندگی می کنند - چه در بحر و چه در دریا - می توانید بخورید. گوشت هر حیوان آبی که پَره و فِلس داشته باشد حلال است. ^{۱۰} ولی هر حیوانی که در آب زندگی می کند و دارای پَره و فِلس نباشد نباید خورده شود. ^{۱۱} این گونه حیوانات حرام شمرده می شوند و شما نباید گوشت آن ها را بخورید و یا به لاشه آن ها دست بزنید. ^{۱۲} باز می گویم که گوشت حیوانات آبی که پَره و فِلس نداشته باشند حرام اند.

۱۳-۱۹ از جمله پرنندگان گوشت اینها را نباید بخورید: عقاب، بوم، باز، شاهین، باشه، کل مرغ، زاغ، شترمرغ، مرغ بحری، لگ لگ، مرغ ماهی خوار، مرغ سقا، کلنگ، هدهد و شب پره چرمی.

۲۰ خوردن حشرات بالدار هم حرام است. ۲۱-۲۲ مگر آنهایی که می جهند - مثل ملخ، چرچرک و انواع دیگر آنها را می توان خورد. ۲۳ حشرات بالدار و خزنده که چهار پا دارند حرام هستند.

۲۴ هر کسی که به لاشه این حیوانات حرام دست بزند تا شام نجس خواهد بود. ۲۵ همچنین هر کسی که یکی از اجزای لاشه این حیوانات را بردارد، باید لباس خود را بشوید و آن شخص تا شام نجس خواهد بود. ۲۶ هر حیوانی که سم دو شق نداشته باشد و نشخوار نکند حرام است و هرگاه کسی به آن دست بزند نجس خواهد بود. ۲۷ هر حیوان چهارپا که با پنجه راه می رود حرام اند و هر کسی که به لاشه آن دست بزند تا شام نجس خواهد بود. ۲۸ و اگر لاشه او را بردارد باید لباس خود را بشوید تا شام نجس خواهد بود.

۲۹-۳۰ کور موش، موش صحرائی، موش خانگی و چلپاسه حرام هستند. ۳۱ هرکسی که به لاشه این حیوانات دست بزند تا شام نجس خواهد بود. ۳۲ و اگر لاشه آنها بر اشیای چوبی، لباس، چرم، جوال و ظروف بیفتد آنها را نجس می کند؛ پس باید آنها در آب قرار داده شوند. آنها تا شام نجس خواهند بود و بعد می توان از آنها دوباره استفاده کرد. ۳۳ اگر لاشه یکی از این حیوانات در یک ظرف گلی بیفتد، آن ظرف نجس می شود و باید آن را شکست. ۳۴ اگر آب این ظرف بر خوراکی بریزد، آن خوراک نجس می شود و هر نوع نوشیدنی که در آن ظرف باشد نیز نجس بحساب می رود. ۳۵ اگر لاشه یکی از این حیوانات بر دیگدان و یا داش گلی بیفتد، آن دیگدان یا داش را باید شکست. ۳۶ اما اگر لاشه در چشمه یا حوضی بیفتد آب آن نجس نمی شود، ولی کسی که لاشه را از آب بیرون می کند نجس می گردد. ۳۷ اگر لاشه بر دانه هائی که برای کاشتن به کار می روند بیفتد، آن دانه ها نجس نمی شوند، ۳۸ اما اگر دانه ها در آب تر شده باشند و آن وقت لاشه بر آنها بیفتد، آن دانه ها نجس می شوند.

^{۳۹} هرگاه حیوانی که گوشت آن حلال است بمیرد و کسی به آن دست بزند، آن شخص تا شام نجس خواهد بود. ^{۴۰} و هر کسی که از گوشت آن بخورد و یا لاشهٔ آن را بردارد باید لباس خود را بشوید و او تا شام نجس خواهد بود.

^{۴۱-۴۲} همه حیواناتی که بر روی زمین با سینه می‌خزند، چهار پا و یا پاهای زیاد دارند حرام‌اند و باید خورده نشوند. ^{۴۳} شما نباید با خوردن چیزهای حرام خود را نجس کنید. ^{۴۴} زیرا من خداوند، خدای شما هستم و شما باید خود را تقدیس کنید، زیرا من قدوس هستم. پس خود را با خوردن حیواناتی که بر روی زمین می‌خزند نجس مسازید. ^{۴۵} من همان خداوندی هستم که شما را از مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم، لهذا همانطوری که من مقدس هستم شما هم باید مقدس باشید.

^{۴۶} قوانینی که فوقاً ذکر شدند باید در مورد حیوانات، پرندگان، جانوران آبی، خزندگان و هر جنبندهٔ دیگر روی زمین مراعات شوند. ^{۴۷} و شما باید فرق بین حیوانات پاک و نجس و بین گوشت حلال و حرام را بدانید.»

طهارت زنها بعد از زایمان

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود که این هدایات را به قوم اسرائیل بدهد: «وقتی زنی پسری بزاید، آن زن مثلیکه در هنگام عادت ماهانهٔ خود نجس می‌شود بعد از زایمان هم تا هفت روز شرعاً نجس خواهد بود. ^۳ در روز هشتم طفل باید ختنه شود. ^۴ آن زن باید مدت سی و سه روز دیگر صبر کند تا از خونریزی خود بصورت کامل پاک گردد. و تا آن زمان نباید به چیزهایی که مقدس‌اند دست بزند و یا به خیمهٔ حضور خداوند داخل شود.

^۵ اگر طفلش دختر باشد، آن زن مثلیکه در هنگام عادت ماهانهٔ خود نجس می‌باشد، تا مدت دو هفته بعد از زایمان هم شرعاً نجس خواهد بود. او باید مدت شصت و شش روز صبر کند تا از

خونریزی خود بکلی پاک شود.

^۶ و زمانی که میعاد طهارت او بسر رسید، چه پسر زائیده باشد چه دختر، او باید یک برهٔ یک ساله را جهت قربانی سوختنی و یک کبوتر یا یک قمری را بعنوان قربانی گناه برای کاهن به دم دروازهٔ خیمهٔ حضور خداوند ببرد ^۷ تا آن را بحضور خداوند تقدیم کند و برایش کفاره نماید. آنوقت از خونریزی ولادت پاک می‌شود. از این مقررات باید هر زن بعد از زایمان پیروی کند.

^۸ اگر زن نادار باشد و نتواند که بره را قربانی کند، در عوض باید دو کبوتر یا دو قمری، یکی را برای قربانی سوختنی و دیگری را جهت قربانی گناه ببرد. کاهن باید با تقدیم این قربانی‌ها برای او کفاره کند و به این ترتیب دوباره پاک می‌شود.»

قوانین مربوط به مرض جلدی

^{۱-۲} خداوند به موسی و هارون فرمود: «اگر در پوست بدن شخصی دُمَل، دانه و یا لکه‌ای دیده شود، ممکن است آن شخص مبتلا به مرض جلدی باشد و باید او را پیش هارون یا یکی از کاهنان ببرند. ^۳ کاهن لکه را معاینه کند. اگر موهائی که در لکه هستند سفید بوده خود لکه از پوست اطراف آن عمیق‌تر باشد، پس آن شخص مبتلا به مرض برص است و کاهن او را نجس اعلام کند. ^۴ اما اگر لکه سفید بوده از پوست اطراف آن عمیق‌تر و موی آن سفید نباشد، کاهن آن شخص را برای هفت روز جدا از دیگران نگهدارد. ^۵ کاهن بعد از هفت روز او را دوباره معاینه کند و اگر دید که لکه بحال اولی خود است و بزرگتر نشده است، آنگاه کاهن برای هفت روز دیگر او را جدا نگهدارد. ^۶ بعد از هفت روز کاهن باز او را معاینه کند. اگر لکه کمرنگ بوده بزرگ نشده باشد، پس کاهن باید او را پاک اعلام نماید، زیرا آن لکه یک زخم سطحی است و آن شخص باید فقط لباس خود را بشوید و آن وقت شرعاً پاک محسوب می‌گردد. ^۷ اگر پس از آنکه کاهن او را پاک اعلام کرد و لکه بزرگ شده باشد، باید دوباره پیش کاهن برود. ^۸ کاهن باز او را معاینه کند و اگر دید که لکه بزرگ شده است، پس آن شخص به مرض برص مبتلا

^۹ اگر کسی مبتلا به مرض جذام باشد، باید پیش کاهن برده شود؛ ^{۱۰} کاهن او را معاینه کند و اگر پوست ورم کرده و موی آن سفید شده باشد ^{۱۱} پس مرض او مُزمن است و کاهن باید او را نجس اعلام کند و دیگر نباید او را برای معاینات بیشتر نگهداشت، چونکه او واقعاً نجس است. ^{۱۲} اگر معلوم گردد که مرض جذام به سر تا پای بدنش سرایت کرده است، ^{۱۳} باید کاهن او را دوباره معاینه کند و در صورتی که مرض تمام بدنش را پوشانده باشد، باید او را شرعاً پاک اعلام کند، چون تمام بدنش سفید شده است. ^{۱۴} اما اگر در بدنش زخم تازه‌ای پیدا شده باشد، او نجس است. ^{۱۵} پس کاهن زخم او را معاینه کرده اگر واقعاً زخم او تازه باشد آنگاه باید او را شرعاً نجس اعلام کند. ^{۱۶} اما اگر زخم تازه سفید شود، آنوقت پیش کاهن برگردد. ^{۱۷} کاهن او را معاینه کند و اگر زخم سفید شده باشد کاهن باید او را پاک اعلام کند.

^{۱۸} اگر در پوست کسی دُمَل برآمده باشد و بعد خوب شود، ^{۱۹} اما در جای دُمَل ورم یا داغ سفید مایل به سرخی دیده شود، آن شخص باید کاهن را ببیند؛ ^{۲۰} کاهن باید او را معاینه کند و اگر داغ عمیق‌تر از سطح پوست بوده موهایش سفید شده باشد، آنگاه کاهن باید او را نجس اعلام کند. مرض او جذام است و از همان دُمَل پیدا شده است. ^{۲۱} اگر در وقت معاینه معلوم شود که موهای لکه سفید نشده‌اند و لکه کمرنگ و از سطح پوست عمیق‌تر نیست، آنوقت کاهن باید او را برای هفت روز جدا از دیگران نگهدارد. ^{۲۲} اگر لکه بزرگ شده باشد، کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا او مبتلا به مرض جذام است. ^{۲۳} اما اگر لکه تغییر نکرده باشد، پس آن لکه داغ دُمَل است و کاهن باید او را پاک اعلام نماید.

^{۲۴} اگر بدن کسی دچار سوختگی شده باشد و در جای سوختگی داغ سفید یا سفید مایل به سرخی پیدا شده باشد، ^{۲۵} کاهن باید آن را معاینه کند. و اگر موهای جای سوختگی سفید بوده و آن داغ عمیق‌تر از سطح پوست باشد، پس لکه مذکور جذام است و از جای سوختگی پیدا شده است، بنابراین کاهن باید او را نجس اعلام کند. ^{۲۶} اما اگر کاهن دید که موهای جای سوختگی

سفید نبوده و آن لکه کمرنگ است و عمیق‌تر از سطح پوست نیست، پس کاهن او را باید برای هفت روز جدا از مردم دیگر نگهدارد.^{۲۷} در روز هفتم، کاهن باز او را معاینه کند. اگر لکه بزرگ شده باشد، پس جذام است و کاهن باید او را نجس اعلام کند.^{۲۸} اما اگر لکه تغییر نکرده و کمرنگ باشد، پس ورم آن نتیجه سوختگی است و کاهن باید او را پاک اعلام کند، زیرا آن لکه داغ سوختگی است.

^{۲۹} اگر زن یا مردی در سر یا زنج خود لکه‌ای داشته باشد،^{۳۰} کاهن باید آنرا معاینه کند. اگر لکه عمیق‌تر از سطح پوست باشد و موهای زرد و نازک در آن دیده شوند، آنوقت کاهن باید او را نجس اعلام کند، زیرا آن شخص به مرض جذام مبتلا است.^{۳۱} اگر کاهن دید که لکه عمیق‌تر از پوست نیست و موهای سیاه در آن دیده نمی‌شوند، پس کاهن باید برای هفت روز او را از دیگران جدا نگهدارد.^{۳۲} در روز هفتم لکه را دوباره معاینه کند. اگر دید که لکه بزرگ نشده است، موهای زرد در آن دیده نمی‌شوند و عمیق‌تر از سطح پوست نیست،^{۳۳} آن شخص می‌تواند اطراف لکه را بتراشد، نه روی آن را. بعد کاهن او را برای هفت روز دیگر جدا از مردم نگهدارد.^{۳۴} بعد از هفت روز کاهن باز او را معاینه کند. اگر دید که لکه بزرگ نشده است و عمیق‌تر از سطح پوست نیست، کاهن باید او را پاک اعلام کند. وقتی شخص مذکور لباس خود را شست پاک می‌شود.^{۳۵} اما اگر بعد از آنکه آن شخص پاک اعلام شد، لکه بزرگ شده باشد،^{۳۶} کاهن دوباره او را معاینه کند. اگر دید که لکه بزرگ شده است، بدون آنکه موهای زرد را در آن بیابد، او را نجس اعلام کند.^{۳۷} اما اگر در وقت معاینه موی سیاه در آن بنظر خورد، معلوم است که آن شخص شفا یافته است و باید پاک اعلام شود.

^{۳۸} اگر مرد یا زنی لکه‌های سفیدی بر پوست بدن خود داشته باشد،^{۳۹} برای معاینه پیش کاهن برود. اگر لکه‌ها سفید کمرنگ باشد، آن‌ها فقط لکه‌های سطحی هستند که بروی پوست بدن پیدا شده‌اند و آن شخص پاک است.

^{۴۰-۴۱} اگر موی سر مردی از پیش روی یا از عقب ریخته باشد، آن شخص نجس نیست.^{۴۲} اما

اگر در سر طاس او لکه‌های سفید مایل به سرخی دیده شوند، پس آن مرد مبتلا به مرض جذام است.^{۴۳} کاهن باید او را معاینه کند. اگر لکه سفید مایل به سرخی باشد،^{۴۴} او را نجس اعلام کند، زیرا آن لکه جذام است.

^{۴۵} شخص جذامی باید لباس پاره بپوشد. موهای سرش ژولیده باشند و قسمت پائین رویش را بپوشاند و فریاد بزند: «من نجس هستم! من نجس هستم!»^{۴۶} آن شخص تا زمانی که به آن مرض مبتلا است نجس شمرده می‌شود و باید خارج از اردوگاه و جدا از مردم دیگر زندگی کند.

قوانینی راجع به لکه جذام در لباس

^{۴۷-۴۸} اگر لباس یا یک پارچهٔ پشمی یا کتانی و یا هر چیز کتانی، پشمی یا چرمی را پوپنک زده باشد^{۴۹} و لکهٔ سبزرنگ یا سرخرنگ در آن دیده شود، باید آن را به کاهن نشان بدهند.^{۵۰} کاهن آن را معاینه کند و برای هفت روز نگهدارد.^{۵۱} در روز هفتم آن را دوباره معاینه کند. اگر مرض در پارچه پخش شده باشد، آن پارچه نجس است^{۵۲} و آن را بسوزانند، زیرا مرضی که به آن سرایت کرده ساری است و باید در آتش از بین برود.

^{۵۳} اما اگر معاینه نشان بدهد که لکه در پارچه نشر نشده است،^{۵۴} آنگاه کاهن امر کند که پارچه را بشوید و برای هفت روز دیگر نگهدارد.^{۵۵} بعد از هفت روز کاهن باز آن را معاینه کند و اگر دید که رنگ لکه بحال اولی خود است، هر چند مرض در پارچه نشر نکرده باشد، هنوز هم نجس است. پس آن را بسوزانند - خواه لکه در روی پارچه و یا در پشت آن باشد.^{۵۶} اگر کاهن دید که پارچه بعد از شستن کمرنگ شده است، آن حصهٔ پارچه یا تکهٔ چرمی را ببرد.^{۵۷} اما اگر لکه دوباره ظاهر شد و نشر کرد، کاهن باید آنرا بسوزاند.^{۵۸} اما اگر لکهٔ پارچه بعد از شستن محو شد، آن پارچه باید دوباره شسته شود و آنگاه شرعاً پاک می‌گردد.»

^{۵۹} این بود مقررات مربوط به آفت پوپنک در پارچه کتانی و پشمی و هر چیز دیگری تا معلوم

شود که پاک است یا ناپاک.

طهارت از مرض جلدی

^{۱-۲} خداوند این هدایات را در مورد شخصی که از مرض جلدی شفا یافته است داد: «در همان روزی که او پاک اعلام شد، باید پیش کاهن برده شود. ^۳ کاهن باید برای معاینه او از اردوگاه بیرون برود. هرگاه دید که او از مرض شفا یافته است، ^۴ امر بدهد که دو پرندۀ حلال، یک تکه چوب سرو، نخ سرخ و چند شاخه جاروبوته برای مراسم تطهیر بیاورد. ^۵ بعد کاهن امر کند که یکی از پرندگان را در یک ظرف گلی بر بالای آب روان بکشند. ^۶ آنگاه پرندۀ زنده، چوب سرو، نخ سرخ و شاخه‌های جاروبوته را گرفته در خون پرندۀ کشته شده غوطه کند. ^۷ و کاهن خون آن را هفت بار بر شخصی که از مرض جلدی شفا یافته است بپاشد و او را شرعاً پاک اعلام نماید. بعد پرندۀ زنده را در صحرا آزاد کند. ^۸ شخصی که شفا یافته است لباس خود را بشوید و موهای خود را بتراشد و در آب غسل کند، تا شرعاً پاک گردد. بعد از آن می‌تواند به اردوگاه داخل شود، اما برای هفت روز در بیرون خیمه خود بماند. ^۹ در روز هفتم موهای سر، ریش، ابروان و تمام بدن خود را بتراشد، لباس خود را بشوید و در آب غسل کند، آنوقت شرعاً پاک می‌شود.

^{۱۰} در روز هشتم باید دو بره نر، یک بره میش یکساله را که سالم و بی عیب باشند همراه با سه کیلو آرد اعلی مخلوط با روغن زیتون و یک سوم لیتر روغن زیتون، پیش کاهن بیاورد. ^{۱۱} کاهنی که مراسم تطهیر را اجراء می‌کند آن شخص و هدیه او را به دم دروازه خیمه عبادت بحضور خداوند بیاورد. ^{۱۲} کاهن یک بره نر را با روغن زیتون گرفته بعنوان قربانی جبران خطا در حضور خداوند تکان داده تقدیم نماید. این قربانی، هدیه مخصوصی است که به کاهن تعلق می‌گیرد. ^{۱۳} بره را در جای مقدس که قربانی گناه و قربانی سوختنی را ذبح می‌کنند، بکشد، زیرا این قربانی بسیار مقدس است و مانند قربانی گناه، به کاهن تعلق دارد. ^{۱۴} بعد کاهن کمی از خون

قربانی جبران گناه را گرفته به نرمی گوش، شست دست راست و شست پای راست او بمالد.
۱۵ سپس قدری از روغن زیتون را در کف دست چپ خود بریزد. ۱۶ و انگشت دست راست خود را در آن فروبرده روغن را هفت مرتبه بحضور خداوند بپاشد. ۱۷ بعد کمی از روغن کف دست خود را به نرمی گوش راست، شست دست راست و شست پای راست آن شخص بمالد.
۱۸ باقیمانده روغن کف دست خود را بر سر او بمالد تا مراسم تطهیر اجراء شده گناه او در حضور خداوند کفاره شود.

۱۹ آنگاه کاهن باید قربانی گناه را تقدیم کرده مراسم تطهیر را بجا آورد و سپس قربانی سوختنی را ذبح کند. ۲۰ بعد از آن کاهن باید قربانی سوختنی را با هدیه آردی بر قربانگاه تقدیم نماید. به این ترتیب کاهن برای گناه او کفاره می‌کند و آن شخص شرعاً پاک می‌شود.

۲۱ اما اگر آن شخص نادار باشد و نتواند دو بره را قربانی کند، می‌تواند برای مراسم تطهیر خود تنها یک بره نر را جهت قربانی جبران خطا و یک کیلو آرد اعلی را که مخلوط با روغن زیتون باشد بعنوان هدیه آردی با یک سوم لیتر روغن زیتون بیاورد. ۲۲ همچنان دو قمری یا دو کبوتر جوانه - یکی را برای قربانی گناه و دیگری را جهت قربانی سوختنی بیاورد. ۲۳ و در روز هشتم آن‌ها را به دم دروازه خیمه حضور خداوند پیش کاهن ببرد تا برای تطهیر او بحضور خداوند تقدیم کند. ۲۴ کاهن بره و روغن زیتون را گرفته بعنوان قربانی جبران خطا بحضور خداوند تکان بدهد. ۲۵ بره را جهت قربانی جبران خطا ذبح کند و کمی از خون آن را گرفته به نرمی گوش راست، شست دست راست و شست پای راست آن شخص بمالد. ۲۶ و قدری از آن خون را در کف دست چپ خود ریخته ۲۷ با انگشت دست راست خود کمی از آن روغن زیتون را هفت مرتبه بحضور خداوند بپاشد. ۲۸ بعد کاهن قدری از روغن زیتون کف دست خود را گرفته به نرمی گوش راست، شست دست راست و شست پای راست آن شخص بمالد. ۲۹ روغن باقیمانده کف دست خود را بر سر آن شخص بریزد و به این ترتیب مراسم تطهیر اجراء می‌شود. ۳۰-۳۱ بعد دو قمری یا دو کبوتر جوانه را گرفته، یکی را برای قربانی گناه و دیگری را بعنوان قربانی سوختنی همراه با هدیه آردی بحضور خداوند تقدیم کند تا مراسم تطهیر بجا آورده شود و گناه

آن شخص را کفاره کند.^{۳۲} این بود مقرراتی که باید برای تطهیر شخصی که از مرض جلدی شفا یافته است اجراء شود.»

هدایت در مورد پوپنک

^{۳۳-۳۴} خداوند این هدایات را به موسی و هارون در باره خانه‌ای که در آن پوپنک پیدا شده باشد. این مقررات را خداوند بعد از آنکه قوم اسرائیل به سرزمین کنعان که آن را بعنوان ملکیت به آن‌ها بخشید وارد شدند، وضع کرد.^{۳۵} «اگر کسی متوجه شود که در خانه‌اش پوپنک بروز کرده است، باید پیش کاهن برود و او را آگاه سازد.^{۳۶} پیش از آنکه کاهن برای معاینه داخل آن خانه شود باید امر کند که خانه را تخلیه نمایند تا چیزهایی که در آن خانه هستند نجس اعلام نشوند. بعد کاهن به داخل خانه برود^{۳۷} و آن را معاینه کند. اگر در دیوار خانه لکه‌های سبزرنگ یا سرخرنگ دیده شوند و عمیق‌تر از سطح دیوار باشند،^{۳۸} کاهن باید از آنجا خارج شود و دروازه خانه را برای هفت روز ببندد.^{۳۹} در روز هفتم کاهن باید دوباره برای معاینه به آن خانه برود و اگر دید که لکه‌ها در دیوار نشر شده‌اند،^{۴۰} آنگاه امر کند که آن حصه دیوار را که دارای لکه است کنده سنگهای آن را گرفته در جای ناپاکی در خارج شهر بیندازند.^{۴۱} سپس امر کند که دیوارهای داخل خانه را بتراشند و خاک و گل آن‌ها را در یک جای ناپاک در بیرون شهر بیندازند.^{۴۲} بعد سنگهای دیگر را بجای سنگهای کنده شده قرار دهند و دیوار را دوباره ترمیم کنند.

^{۴۳} اما اگر لکه‌ها بعد از آنکه دیوار دوباره ترمیم شد، باز نمایان گردیدند،^{۴۴} کاهن باید بار دیگر خانه را معاینه کند، اگر دید که لکه‌ها نشر کرده‌اند، پس آن خانه را پوپنک زده است و شرعاً نجس است.^{۴۵} و آنوقت باید خانه را ویران کنند و تمام سنگ، چوب و خاک آنرا به خارج شهر برده در یک جای ناپاک بیندازند.^{۴۶} علاوه، هنگامی که خانه بسته است، اگر کسی داخل آن شود، تا شام نجس خواهد بود.^{۴۷} و هر کسی که در آن خانه بخوابد و یا چیزی بخورد، باید لباس خود را بشوید.

^{۴۸} ولی بعد از آنکه دیوار خانه ترمیم شد و کاهن آنرا معاینه کرد و دید که لکه‌ها در دیوار نشر نکرده‌اند، خانه را شرعاً پاک اعلام کند، زیرا مرض برطرف شده است. ^{۴۹} برای تطهیر خانه باید دو پرنده را همراه با چوب سرو و نخ سرخ و چند شاخه جاروبوته بیاورند. ^{۵۰} یکی از پرندگان را بالای آب روان بکشند ^{۵۱} بعد پرنده زنده را با چوب سرو، نخ سرخ و شاخه‌های جاروبوته گرفته در خون پرنده‌ای که بالای آب روان کشته شد، غوطه کند و هفت بار بر آن خانه بپاشد. ^{۵۲} به این طریق آن خانه با خون پرنده، آب تازه، پرنده زنده، چوب سرو، شاخه‌های جاروبوته و تار سرخ طاهر می‌شود. ^{۵۳} سپس پرنده زنده را بیرون شهر برده در صحرا آزاد کند تا مراسم تطهیر بجا آورده شده آن خانه شرعاً پاک گردد.»

^{۵۴-۵۶} این بود مقررات مربوط به پوپنک که اگر در لباس، خانه و یا پوست بدن پیدا شود. ^{۵۷} این مقررات مشخص می‌سازد که چه وقت یک چیز نجس است و چه وقت پاک.

چیزهایی که یک مرد را نجس می‌سازند

^{۱-۲} خداوند به موسی و هارون فرمود که این هدیایات را به قوم اسرائیل بدهند: «اگر از بدن مردی مایعی خارج شود، آن مایع نجس است. ^۳ این مایع خواه جاری باشد خواه متوقف گردد، در هر صورت نجس است. ^۴ هر بستری که آن مرد در آن بخوابد و بالای هر چیزی که بنشیند، نجس می‌شود. ^۵ هر کسی که به بستر او دست بزند ^۶ یا بالای چیزی که او نشسته است بنشیند تا شام نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. ^۷ و هر کسی که به آن مرد دست بزند تا شام نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. ^۸ و بر هر کسی که تف کند آن شخص تا شام نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند. ^۹ بر هر زمینی که بنشیند آن زمین نجس می‌شود. ^{۱۰} اگر شخصی بر چیزی که آن مرد نشسته است، دست بزند تا شام نجس خواهد بود و کسی که آن چیز را حمل کند تا شام نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید. ^{۱۱} اگر آن مرد نجس با دستهای ناشسته به کسی دست بزند، آن کس تا شام نجس

خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.^{۱۲} هرگاه آن مرد به یک ظرف گلی دست بزند آن ظرف را باید شکست و اگر ظرف چوبی باشد باید با آب شسته شود.

^{۱۳} وقتی جریان مایع از بدن آن مرد قطع شد، باید تا هفت روز صبر کند. بعد با آب پاک لباس خود را بشوید و غسل کند و آنگاه شرعاً پاک می‌شود.^{۱۴} در روز هشتم دو قمری یا دو کبوتر جوانه را به دم دروازهٔ خیمهٔ حضور خداوند آورده به کاهن بدهد.^{۱۵} و کاهن یکی از پرنده‌ها را برای قربانی گناه و دیگری را بعنوان قربانی سوختنی تقدیم کند و به این ترتیب کاهن در حضور خداوند برای آن مرد که مایع از بدنش جاری بود کفاره می‌کند.

^{۱۶} اگر مردی انزال کند، تا شام نجس خواهد بود و باید تمام بدن خود را در آب بشوید.^{۱۷} هر پارچهٔ نخی یا چرمی که منی بر آن ریخته باشد، باید با آب شسته شود و آن پارچه تا شام نجس خواهد بود.^{۱۸} اگر شخصی با زنی همبستر شده و انزال کند، هر دوی آن‌ها باید غسل کنند و تا شام نجس خواهند ماند.

^{۱۹} زنی که عادت ماهانه داشته باشد، برای هفت روز نجس خواهد بود. هر کسی که به آن زن دست بزند تا شام نجس خواهد ماند.^{۲۰} آن زن در دوران عادت ماهانهٔ خود، بر هر چیزی که بخوابد و یا بنشیند، آن چیز نجس می‌شود.^{۲۱} هر کسی که به بستر آن زن دست بزند باید لباس خود را بشوید و غسل کند و تا شام نجس خواهد بود.^{۲۲-۲۳} و هر کسی که به بستر آن زن و یا به چیزی که آن زن بالایش نشسته باشد دست بزند، تا شام نجس خواهد بود و باید لباس خود را بشوید و غسل کند.^{۲۴} در دوران عادت ماهانهٔ آن زن، هر مردی که با او همبستر شود تا شام نجس خواهد ماند و در هر بستری که بخوابد آن بستر نجس می‌شود.

^{۲۵} اگر زنی خونریزی غیر عادی داشته باشد و یا خونریزی‌اش بعد از دوران عادت ماهانهٔ او همچنان دوام کند، آن زن تا زمانی که خونریزی‌اش قطع شود مثل زمان عادت ماهانهٔ خود نجس باقی می‌ماند.^{۲۶} در آن دوران بر هر چیزی که بخوابد یا بنشیند، آن چیز نجس می‌شود.^{۲۷} و هر

کسی که به آن چیزها دست بزند، نجس می‌شود. او باید لباس خود را بشوید و غسل کند و تا شام نجس خواهد بود.^{۲۸} بعد از آنکه خونریزی قطع شد، آن زن باید تا هفت روز صبر کند، آنوقت شرعاً پاک می‌شود.^{۲۹} در روز هشتم، آن زن باید دو قمری یا دو کبوتر جوانه را به دم دروازهٔ خیمهٔ حضور خداوند برده به کاهن بدهد.^{۳۰} کاهن باید یکی از آنها را جهت قربانی گناه و دیگری را بعنوان قربانی سوختنی تقدیم نماید و به این طریق بحضور خداوند برای نجاست عادت ماهانهٔ آن زن کفاره می‌کند.

^{۳۱} به این ترتیب شما باید قوم اسرائیل را از نجاسات شان پاک سازید، ورنه با آلوده کردن خیمهٔ حضور خداوند که در بین شان است خواهند مُرد.»

^{۳۲} این مقررات باید در مورد شخصی که از بدن او مایع ترشح می‌کند تطبیق شوند.^{۳۳} همچنین برای عادت ماهانهٔ زنها و در حصهٔ هر مردی که با آن زن پیش از طهارت همبستر شود مقررات فوق مراعات گردند.

مراسم کفاره

^{۱-۲} بعد از آنکه دو پسر هارون، بخاطریکه بحضور خدا نزدیک شدند و مردند، خداوند به موسی فرمود: «به برادرت، هارون بگو که تنها در وقت معین به قدس الاقداس که پشت پرده است و در آنجا صندوق پیمان و تخت رحمت قرار دارند، داخل شود. در هیچ زمان دیگر وارد آنجا نشود، مبادا بمیرد. زیرا من در ابر بالای تخت رحمت ظاهر می‌شوم.^۳ شرایط ورود هارون به قدس الاقداس به این ترتیب است: او باید یک گوساله را برای قربانی گناه و یک قوچ را بعنوان قربانی سوختنی بیاورد.^۴ او باید غسل کند و لباس مخصوص کاهنی را که عبارت از ردای کتانی، زیرجامه، کمربند و دستار کتانی است بپوشد.^۵ و از قوم اسرائیل دو بز نر را برای قربانی گناه و یک قوچ را جهت قربانی سوختنی بگیرد.

^۶ هارون باید گوساله را برای کفاره گناه خود و خانواده اش قربانی کند. ^۷ سپس دو بز را گرفته بحضور خداوند به دم دروازه خیمه حضور خداوند ببرد. ^۸ بعد از آن هارون دو سنگ را گرفته قرعه بیندازد تا معلوم کند که کدام یک از آن دو بز از خداوند و کدام آن از عزازیل باشد. ^۹ آنگاه بزى را که بقید قرعه برای خداوند تعیین شد، بعنوان قربانی گناه ذبح کند. ^{۱۰} و بز دیگر را زنده به حضور خداوند آورده و برای عزازیل در بیابان رها کند تا گناه قوم اسرائیل را با خود ببرد.

^{۱۱} پس از آنکه هارون گوساله را برای کفاره گناه خود و خانواده اش قربانی کرد، ^{۱۲} یک منقل پُر از زغال مشتعل را از قربانگاه گرفته با دو مشت از خوشبوئی کوبیده به قدس الاقداس ببرد. ^{۱۳} و خوشبوئی را بحضور خداوند بر آتش بیندازد تا دود خوشبوئی مانند ابری تخت رحمت را که بالای صندوق پیمان است بپوشاند مبادا تخت رحمت را ببیند و بمیرد. ^{۱۴} بعد کمی از خون گوساله را گرفته با انگشت خود یکبار بر حصه پیشروی تخت رحمت و بعد هفت مرتبه بر قسمت پیشروی صندوق پیمان بپاشد.

^{۱۵} سپس بز را برای کفاره گناه قوم قربانی کند و خون آن را به قدس الاقداس ببرد و مثل خون گوساله بر تخت رحمت و پیشروی آن بپاشد. ^{۱۶} به این طریق برای قدس الاقداس که بخاطر گناهان قوم اسرائیل آلوده شده و برای خیمه حضور خداوند که در بین شان قرار دارد و شرعاً ناپاک گردیده است کفاره می شود. ^{۱۷} از زمانی که هارون برای مراسم کفاره به داخل قدس الاقداس می رود تا که از آنجا بیرون می آید، هیچ کسی نباید در داخل خیمه حضور خداوند حاضر باشد. وقتی هارون مراسم قربانی را برای خود، خانواده و تمام قوم اسرائیل به انجام رسانید، ^{۱۸} باید بطرف قربانگاه در حضور خداوند برود و برای آن کفاره کند. بعد کمی از خون گوساله و بز را گرفته بر چهار کنج قربانگاه بمالد. ^{۱۹} و قدری از خون را با انگشت خود هفت بار بر قربانگاه بپاشد تا آن را از آلودگی های قوم اسرائیل پاک کرده تقدیسش نماید.

سپر بلا

^{۲۰} وقتی هارون مراسم کفاره را برای قدس الاقداس، خیمه حضور خداوند و قربانگاه تمام کرد، بزنده را به حضور خداوند حاضر کند ^{۲۱} و هر دو دست خود را بر سر آن بگذارد و به گناهان و خطاهای قوم اسرائیل اعتراف کرده گناهان شان را بر سر آن بز انتقال دهد. سپس بز را شخص معینی به بیابان برده در آنجا رهایش کند. ^{۲۲} آن حیوان تمام گناهان مردم را به جای غیر مسکونی می برد.

^{۲۳} بعد هارون باید به داخل خیمه حضور خداوند برود و لباس مخصوص کاهنی را که جهت اجرای مراسم دینی در قدس الاقداس، پوشیده بود از تن بیرون کرده در همانجا بگذارد. ^{۲۴} سپس در جای مقدسی غسل کرده لباسهای خود را بپوشد. بعد از آن بیرون رفته قربانی سوختنی را برای خود و برای قوم اسرائیل تقدیم نماید تا به این وسیله گناهان او و مردم اسرائیل کفاره شوند. ^{۲۵} همه چربی قربانی گناه را بر سر قربانگاه بسوزاند. ^{۲۶} و کسیکه بز را به بیابان می برد بعد از اجرای وظیفه لباس خود را بشوید و غسل کند و آنوقت می تواند وارد اردوگاه شود. ^{۲۷} گوساله و بزی که بعنوان قربانی گناه ذبح شدند و هارون خون آنها را برای کفاره گناه مردم به قدس الاقداس برد، باید به بیرون اردوگاه برده با پوست و گوشت و سرگین آنها سوختانده شوند. ^{۲۸} و کسی که آنها را می سوزاند باید لباس خود را بشوید و غسل کند و آنگاه می تواند به اردوگاه برگردد.

برگزاری مراسم کفاره برای آمرزش گناه

^{۲۹} مقررات ذیل را همیشه مراعات کنید: در روز دهم ماه هفتم قوم اسرائیل و هم بیگانگانی که در بین شان ساکن اند، نباید کار کنند، ^{۳۰} زیرا در آن روز مراسم کفاره گناه اجراء می شود تا همه تان در حضور خداوند از گناه پاک باشید. ^{۳۱} آن روز، یک روز بسیار مقدس است و شما نباید به هیچوجه کار کنید، بلکه روزه دار باشید و این قانون را برای همیشه اجراء نمائید. ^{۳۲} این مراسم در نسلهای آینده بوسیله کاهنی که بجای جد خود هارون برای کار کاهنی تعیین و تقدیس می شود، انجام خواهد شد. او لباس های مقدس کتانی را در بر کرده مراسم کفاره گناه را اجراء

نماید.^{۳۳} او همچنین برای جایگاه مقدس، خیمه حضور خداوند، قربانگاه، کاهنان و قوم اسرائیل کفاره کند.^{۳۴} و این برای شما یک فریضه ابدی بوده برای کفاره گناهان قوم اسرائیل هر سال یک مرتبه اجراء گردد.»

موسی همه اوامر خداوند را بجا آورد.

قانون اهدای قربانی مخصوص

۱-۲ خداوند به موسی فرمود که هدایات ذیل را به هارون، پسران او و قوم اسرائیل بدهد:^۳
۴ «اگر کسی از قوم اسرائیل گاو، گوسفند یا بز را در جای دیگری بغیر از دم دروازه دخول خیمه حضور خداوند برای خداوند قربانی کند، خون ریخته و گناهکار است و دیگر در جمله قوم برگزیده خداوند بشمار نمی رود.^۵ معنی این قانون اینست که مردم اسرائیل از این بعد در صحرا قربانی نکنند، بلکه آن‌ها باید قربانی‌های خود را پیش کاهن به دم دروازه دخول خیمه حضور خداوند ببرند و بعنوان قربانی سلامتی بحضور خداوند تقدیم نمایند.^۶ و کاهن باید خون قربانی را بر قربانگاه خداوند به دم دروازه خیمه حضور خداوند بپاشد و چربی آن را که بویش مثل عطر خوشبو برای خداوند گوارا است، بسوزاند.^۷ پس قوم اسرائیل دیگر نباید با قربانی کردن برای ارواح پلید در صحرا به خداوند خیانت کنند. و این برای آن‌ها یک فریضه ابدی است که باید نسل بعد از نسل رعایت شود.

۸-۹ به قوم بگو که اگر یک اسرائیلی و یا بیگانه‌ای که در بین آن‌ها زندگی می‌کند، بغیر از دم دروازه خیمه حضور خداوند در جای دیگری برای خداوند قربانی کند، از بین قوم طرد شود.

خون حیوانات

۱۰ هرگاه یک اسرائیلی و یا یک بیگانه‌ای که در میان آن‌ها زندگی می‌کند، خون را بخورد از او

روی می‌گردانم و از بین قوم برگزیده خود طردش می‌کنم.^{۱۱} زیرا که زندگی هر موجودی در خون او است و من خون را به شما دادم تا برای کفاره جانهای تان بر قربانگاه بپاشید. و همین خون است که برای جانهای مردم کفاره می‌کند.^{۱۲} بنابراین به قوم اسرائیل توصیه می‌کنم که هیچ کسی، خواه اسرائیلی خواه بیگانه‌ای که در بین شان ساکن است، نباید خون را بخورد.

^{۱۳} هر اسرائیلی یا بیگانه‌ای که در بین مردم اسرائیل زندگی می‌کند، اگر حیوان یا پرنده‌ای را شکار کند، باید خونس را بریزد و خون را با خاک بپوشاند.^{۱۴} زیرا زندگی هر موجودی در خون او است، بنابراین به قوم اسرائیل گفتم که آن‌ها نباید خون هیچ جانوری را بخورند، زیرا که زندگی هر موجودی در خون او است و هر کسی که آنرا بخورد باید از بین قوم رانده شود.

^{۱۵} هر کسی که گوشت حیوان مرده یا از حیوانی را که توسط یک جانور وحشی دریده شده باشد، بخورد، خواه آن شخص اسرائیلی باشد، خواه بیگانه‌ای که در بین شان ساکن است، باید لباس خود را بشوید و غسل کند. آن شخص تا شام نجس خواهد بود و بعد از آن پاک می‌شود.^{۱۶} اما اگر لباس خود را نشوید و غسل نکند، گناهکار شمرده می‌شود.»

زنا و اعمال زشت

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود که به قوم اسرائیل بگوید: «من خداوند، خدای شما هستم.^۳ از کارهای مردم مصر که در کشور شان زندگی می‌کردید، پیروی نکنید. یا از کارهای کنعانیان که شما را در سرزمین شان می‌برم، تقلید ننمائید.^۴ احکام مرا بجا آورید و از فرایض من اطاعت کنید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.^۵ پس از احکامی که به شما می‌دهم و از قوانینی که برای تان وضع می‌کنم پیروی نمائید تا زندگی خود را حفظ کنید.

^۶ هیچ کسی نباید با شخصی که محرم او است همبستر شود.^۷ با مادرت همبستر مشو، زیرا با این عمل، مادر خود را بی‌عصمت می‌سازی.^۸ اگر با زنان دیگر پدرت همبستر شوی پدرت را

بی حرمت می‌کنی.^۹ با خواهر یا خواهر نا سکه‌ات، چه دختر پدرت باشد چه از مادرت، چه در خانه تولد یافته باشد چه در خارج، نباید همبستر شوی.^{۱۰} با دختر پسر و یا دختر دخترت همبستر نشوی، زیرا که این کار سبب بی‌عفتی آن‌ها و رسوائی خودت می‌شود.^{۱۱} با دختر زن پدرت همبستر مشو، زیرا آن دختر هم خواهر تو است.^{۱۲-۱۳} با عمه که خواهر پدرت یا خاله که خواهر مادرت است همبستر مشو.^{۱۴} با زن کاکایت که او هم بجای عمه‌ات می‌باشد همبستر مشو.^{۱۵} با عروست همبستر مشو، چون او زن پسر است.^{۱۶} با زن برادرت همبستر مشو، زیرا با این کارت برادرت را بی‌حرمت می‌سازی.^{۱۷} اگر با زنی رابطه جنسی داشته‌ای نباید با دختر یا نواسه او همبستر شوی، چون ایشان از اقارب نزدیک او می‌باشند و این عمل قبیحی است.^{۱۸} تا زمانی که زنت زنده است نباید با خواهر او عروسی کنی.

^{۱۹} با زنی که عادت ماهانه دارد همبستر مشو.^{۲۰} تو نباید با زن یک شخص دیگر همبستر شوی، زیرا که بوسیله او نجس می‌شوی.^{۲۱} هیچ یک از فرزندان را برای خدای مولک بر قربانگاه او نسوزان، چون این عمل نام خداوند، خدای ترا بی‌حرمت می‌سازد.^{۲۲} هیچ مردی نباید با مرد دیگری رابطه جنسی داشته باشد، زیرا خدا از این کار نفرت دارد.^{۲۳} هیچ زن یا مردی نباید با حیوانی رابطه جنسی داشته باشد، چون با این عمل خود را نجس می‌سازد و این یک کار بسیار زشت است.

^{۲۴} با این اعمال خود را نجس نسازید، زیرا بخاطر همین کار است که می‌خواهم همه اقوامی را که در این سرزمین زندگی می‌کنند بیرون رانده شما را در آن جای دهم.^{۲۵} آن سرزمین بخاطر اعمال زشت آن‌ها آلوده شد، بنابراین می‌خواهم همه ساکنین آنجا را به سزای اعمال شان رسانده آن‌ها را از آنجا بیرون اندازم.^{۲۶} همگی باید قوانین و احکام مرا بجا آورده از ارتکاب اعمال زشت خودداری کنند. چه بیگانه باشند چه اسرائیلی.^{۲۷} زیرا با اعمال قبیح آن مردمی که پیش از شما در آنجا بودند، آن سرزمین آلوده شد.^{۲۸} و شما هم اگر به آن گونه اعمال دست بزنید و آن سرزمین را آلوده کنید، مثل آن مردم از آنجا بیرون افکنده می‌شوید.^{۲۹} زیرا هر کسی که مرتکب یکی از این اعمال زشت شود از بین قوم طرد می‌گردد.^{۳۰} لهنذا هرگز با ارتکاب اعمال قبیح آن

مردم خود را آلوده نسازید، بلکه فرایض و اوامر مرا بجا آورید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.»

اصول و قوانین اخلاقی

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود که به قوم اسرائیل بگوید: «مقدس باشید، زیرا که من خداوند، خدای شما قدوس هستم. ^۳ به پدر و مادر تان احترام کنید و مقررات سبّت مرا مراعات نمائید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

^۴ بت پرستی نکنید و برای خود بت نسازید، زیرا که من خداوند، خدای شما هستم.

^۵ وقتی برای من قربانی صلح تقدیم می کنید، باید آن را طبق هدایتی که من به شما داده ام انجام بدهید، ورنه آن را قبول نمی کنم. ^۶ گوشتش را باید در همان روزی که حیوان را قربانی می کنید و یا فردای آن بخورید. هر چه که تا روز سوم باقی می ماند باید آن را در آتش بسوزانید. ^۷ و اگر در روز سوم آن را بخورید، مکروه است و من آن قربانی را نمی پذیرم. ^۸ پس اگر در روز سوم آنرا بخورید، گناهکار می شوید، زیرا به قدوسیت من بی احترامی می کنید و در نتیجه از بین قوم برگزیده من طرد می شوید.

^۹ وقتی محصول زمین تان را درو می کنید کنج و کنار زمین را درو ننمائید. همچنین خوشه های را که باقی مانده اند جمع نکنید. ^{۱۰} در وقت انگورچینی، تمام انگورهای تاکستان خود را نچینید. خوشه ها و دانه های انگور را که بر زمین افتاده اند جمع نکنید. آن ها را برای فقرا و مسافرن بگذارید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

^{۱۱} از دزدی، خیانت و دروغگوئی پرهیز نمائید. ^{۱۲} بنام من قسم ناحق نخورید و نام مرا بی حرمت نسازید، چون من خداوند، خدای شما هستم.

^{۱۳} به همنوع تان ضرر نرسانید و به مال او خیانت نکنید. مزد کارگری را که برای شما کار می‌کند در موقع معین بپردازید. حتی برای شب هم پیش خود نگاه ندارید. ^{۱۴} به اشخاص کر دشنام ندهید و پیش پای مردمان کور سنگ نیندازید، بلکه از من بترسید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

^{۱۵} در قضاوت بی‌عدالتی نکنید. در بین نادار و ثروتمند فرقی قایل نشوید، بلکه با همه از روی انصاف و عدالت رفتار نمائید. ^{۱۶} سخن چینی نکنید و با شایعات دروغ سبب مرگ کسی نشوید، زیرا من خداوند هستم.

^{۱۷} کینه دل نباشید. اگر با کسی دعوائی داشته باشید از روی مصالحه دعوا را حل نمائید، مبادا بخاطر او گناهکار شوید. ^{۱۸} از کسی انتقام نگیرید و از او نفرت نکنید، بلکه او را مثل جان خود دوست بدارید، زیرا من خداوند هستم.

^{۱۹} احکام مرا بجا آورید. حیوانات خانگی را با حیوانات غیر همجنس آن‌ها و ادار به نسل‌گیری نکنید. در زمین تان دو نوع تخم را نکارید و لباسی که می‌پوشید نباید از دو قسم پارچهٔ مختلف باشد.

^{۲۰} اگر کسی با کنیزی که نامزد شخص دیگری است همبستر شود و آن کنیز بازخرد و یا آزاد نشده باشد، آن‌ها را نباید کشت، بلکه مجازات شوند، زیرا که آن زن آزاد نشده است. ^{۲۱} و آن مرد باید قوچی را بعنوان قربانی جبران خطا به دم دروازهٔ خیمهٔ عبادت بحضور خداوند بیاورد. ^{۲۲} و کاهن باید با آن قوچ برای او بحضور خداوند کفاره کند و به این ترتیب آن مرد از گناه پاک می‌شود و خداوند او را می‌آمرزد.

^{۲۳} وقتی به سرزمین کنعان داخل شدید و هر قسم درختان میوه‌دار را که کاشتید، تا سه سال باید از میوهٔ آن‌ها نخورید، زیرا شرعاً نجس محسوب می‌شود. ^{۲۴} در سال چهارم تمام میوه، بعنوان هدیهٔ امتنان و شکرگزاری وقف خداوند شود. ^{۲۵} اما در سال پنجم شما می‌توانید از میوهٔ آن‌ها

بخورید و اگر به همین طریق رفتار کنید ثمر فراوان می‌گیرید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

^{۲۶} شما نباید گوشتی را که خون داشته باشد بخورید. از فالگیری و جادوگری خودداری کنید.
^{۲۷} موهای شقیقه‌های تان را نتراشید و گوشه‌های ریش خود را نچینید. ^{۲۸} در ماتم مرده‌ها بدن تان را زخمی نسازید و آنرا خالکوبی نکنید، زیرا من خداوند هستم.

^{۲۹} دختر تان را با وادار ساختن به فاحشه‌گری بی‌حرمت و بی‌عصمت نسازید. مبادا کشور شما پُر از زنا و شرارت گردد. ^{۳۰} شرایط و مقررات روز سَبَت مرا رعایت کنید و عبادتگاه مرا مقدس و محترم شمارید، زیرا من خداوند هستم.

^{۳۱} از احضارکنندگان ارواح مردگان و جادوگران کمک طلب نکنید، زیرا آن‌ها شما را آلوده و نجس می‌سازند، زیرا که من خداوند، خدای شما هستم.

^{۳۲} در پیشروی شخص موسفید بپا برخیز، به پیرمرد احترام کن و از خدای خود بترس. من خداوند هستم.

^{۳۳} اگر یک شخص بیگانه یا مسافری در کشور تان زندگی می‌کند، به او آزار نرسانید ^{۳۴} با او مثل یک اسرائیلی رفتار کنید و مثل جان خود دوستش بدارید، زیرا خود شما یک وقتی در مصر بیگانه بودید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.

^{۳۵} همیشه پیرو عدالت و انصاف باشید. در وزن و پیمانه کسی را فریب ندهید. ^{۳۶} ترازو و سنگهای آن درست و شاهین آن راست باشند، زیرا من خداوند، خدای شما هستم و من شما را از مصر بیرون آوردم. ^{۳۷} تمام احکام و فرایض مرا بجا آورید، من خداوند هستم.»

مجازات گناه

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که هر کسی، چه اسرائیلی باشد چه بیگانه‌ای که در بین آن‌ها زندگی می‌کند، اگر فرزندان خود را برای بت مولک قربانی کند، باید سنگسار شود. ^۳ من خودم بر ضد او برمی‌خیزم و از بین قوم طردش می‌کنم، زیرا فرزندان خود را برای بت مولک قربانی کرده و با این کار خود عبادتگاه مرا آلوده و نام مقدس مرا بی‌حرمت نموده است. ^۴ و اگر مردم از گناه او چشم‌پوشند و او را محکوم به مرگ نکنند، ^۵ آنوقت خودم بر ضد او و خانواده‌اش و همه کسان دیگری که با پرستش بت مولک به من خیانت کرده‌اند برمی‌خیزم و آن‌ها را از بین قوم طرد می‌کنم.

^۶ اگر شخصی از ارواح مردگان و جادوگران کمک طلب کند، گناهکار است و من بر ضد او برمی‌خیزم و از بین قوم طردش می‌کنم. ^۷ پس خود را پاک و مقدس نگهدارید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم. ^۸ احکام مرا بجا آورید. من خداوند هستم و شما را پاک و مقدس می‌سازم. ^۹ هر کسی که پدر یا مادر خود را لعنت کند باید کشته شود و خودش به گردن خودش می‌باشد.

^{۱۰} اگر شخصی با زن شخص دیگری زنا کند، باید زن و مرد هر دو کشته شوند. ^{۱۱} کسی که با زن پدر خود همبستر شود، به پدر خود بی‌حرمتی کرده است و هر دو باید کشته شوند و خون‌شان به گردن خودشان خواهد بود. ^{۱۲} هرگاه مردی با عروس خود زنا کند، هر دو باید کشته شوند، زیرا با محرم خود زنا کرده است و خون‌شان به گردن خودشان خواهد بود. ^{۱۳} اگر مردی با مرد دیگری رابطه جنسی داشته باشد، هر دوی آن‌ها مرتکب کار زشتی شده‌اند و باید هر دو کشته شوند، خودشان مسئول مرگ خود خواهند بود. ^{۱۴} اگر کسی با مادر زن خود عروسی کند، گناه بزرگی را مرتکب شده است و هر سه را باید در آتش بسوزانند، تا این لکه بدنامی از دامن‌تان پاک شود. ^{۱۵} اگر مردی با یک حیوان جماع کند، آن مرد با حیوان یکجا کشته شود. ^{۱۶} همچنین اگر زنی با یک حیوان جماع کند، زن و حیوان هر دو باید کشته شوند و خون‌شان

به گردن خود شان خواهد بود.

^{۱۷} اگر مردی با خواهر نا سکهٔ خود عروسی کند و با او همبستر شود، چه دختر پدرش باشد چه دختر مادرش، کار بسیار زشتی کرده است و هر دو باید در برابر عموم مردم از بین قوم طرد گردند و آن مرد باید جزا ببیند، زیرا که با خواهر خود زنا کرده است.^{۱۸} اگر مردی با زنی که عادت ماهانه دارد همبستر شود، هر دو قانون شکنی کرده‌اند و باید از بین قوم طرد گردند.

^{۱۹} کسی نباید با عمه یا خالهٔ خود همبستر شود، اگر چنین کند، هر دو باید به جزا برسند، چرا که با محرم خود زنا کرده‌اند.^{۲۰} اگر مردی با زن کاکای خود همبستر شود، به کاکای خود بی حرمتی کرده است. آن مرد و زن باید به سزای عمل شان برسند و بی‌اولاد خواهند مُرد.^{۲۱} هرگاه مردی با زن برادر خود عروسی کند، به برادر خود بی‌احترامی کرده است و هر دو بی‌اولاد خواهند مُرد.

^{۲۲} شما باید همه احکام و فرایض مرا بجا آورید و به آن‌ها عمل کنید تا شما را از آن سرزمینی که به شما بخشیده‌ام طرد نکنم.^{۲۳} و شما نباید از رسم و رواج آن مردمی که می‌خواهم آن‌ها را از آنجا برانم، پیروی کنید، زیرا آن‌ها کارهایی کردند که مورد نفرت من بودند.^{۲۴} من به شما وعده داده‌ام که شما آن سرزمین با برکت و حاصلخیز را متصرف شوید. من خداوند، خدای شما هستم که شما را از اقوام جهان جدا کردم و برای خود برگزیدم.^{۲۵} شما باید تشخیص کرده بتوانید که کدام حیوان یا پرنده شرعاً حلال است یا حرام. و شما نباید گوشت حیوان یا پرندهٔ حرام را بخورید، زیرا من آن‌ها را حرام ساخته‌ام و خوردن آن‌ها شما را نجس می‌کند.^{۲۶} شما باید برای من پاک و مقدس باشید، زیرا من، خداوند و مقدس هستم و شما را از اقوام دیگر جدا کردم تا قوم برگزیدهٔ خود من باشید.

^{۲۷} مرد یا زنی که اَجْنَه را احضار می‌کند و یا جادوگر است باید سنگسار شود و خونسش به گردن خودش خواهد بود.»

۲۱ خداوند به موسی فرمود: «به هارون و پسرانش بگو که هرگز به جنازه کسی دست نزنند، زیرا شرعاً نجس می‌شوند،^۲ مگر اینکه جنازه یکی از خویشاوندان نزدیک، یعنی مادر، پدر، پسر، دختر، برادر^۳ یا خواهرش که شوهر نکرده و در خانه او می‌زیسته است، باشد.^۴ چون کاهن رهبر قوم خود است، نباید مانند اشخاص عادی خود را با تماس به جسد مرده‌ای که از اقارب اوست، نجس سازد.^۵ کاهنان نباید سر خود را بتراشد یا ریش خود را کوتاه کند و یا بدن خود را زخمی نماید.^۶ او باید برای خدا پاک و مقدس باشد و نام مرا بی‌حرمت نسازد. چون او برای من هدیه‌های خوردنی بر آتش تقدیم می‌کند، لهذا باید مقدس باشد.^۷ او نباید با زن فاحشه و زنی که باکره نیست و یا زنی که طلاق شده است عروسی کند، زیرا او پیش خدای خود مقدس است.^۸ کاهنان را باید مقدس بشمارید، زیرا که آن‌ها هدیه‌های خوردنی برای من تقدیم می‌کنند. من خداوند و مقدس هستم و شما را تقدیس می‌کنم.^۹ اگر دختر کاهن فاحشه شود، پدر خود را بی‌حرمت می‌سازد و باید او را زنده در آتش بسوزانند.

۱۰ کاهن اعظم که با روغن مخصوص مسح و تقدیس شده است و لباس کاهنی می‌پوشد نباید هنگام ماتم موهای سر خود را باز و پریشان گذارد یا جامه خود را بدرد.^{۱۱-۱۲} چون او برای من مسح و تقدیس شده است، نباید با خارج شدن از عبادتگاه و رفتن به خانه‌ای که جنازه در آن است، حتی اگر جنازه پدر و مادرش باشد، عبادتگاه مرا بی‌حرمت سازد.^{۱۳-۱۴} با دختری که باکره است باید ازدواج کند و با زن بیوه، طلاق شده یا فاحشه عروسی نکند، بلکه زن او دختر باکره‌ای از قوم خودش باشد.^{۱۵} در غیر آن فرزندان او در بین مردم بی‌حرمت خواهند بود.»

۱۶-۱۷ خداوند به موسی فرمود: «به هارون بگو که اگر در نسلهای آینده یکی از اولاده او عیب جسمانی داشته باشد، نباید هدیه خوردنی بحضور من تقدیم کند.^{۱۸-۱۹} و کسی که معیوب و کور یا شل باشد، یا نقصی در روی خود داشته و یا دست یا پایش شکسته باشد، نباید هدیه‌ای را بحضور من تقدیم کند.^{۲۰} شخصی که کوزپشت، کوتاه قد، مبتلا به چشم دردی یا مرض جلدی

و یا مخنث باشد،^{۲۱} به خاطر عیب جسمانی اش حق ندارد که هدیه‌های خوردنی بحضور من بر آتش تقدیم کند.^{۲۲} او می‌تواند از هدیه‌های مقدس و هم از مقدس‌ترین هدیه‌ها که بحضور من تقدیم می‌شوند، بخورد.^{۲۳} اما او نباید به نزدیک پردهٔ مقدس و یا قربانگاه برود، چون نقص جسمانی دارد و با این کار خود اشیای مقدس مرا بی‌حرمت می‌سازد، زیرا من خداوند هستم و آن‌ها را تقدیس کرده‌ام.»

^{۲۴} به این ترتیب موسی این هدایات را به هارون، پسران او و قوم اسرائیل داد.

کاهن و هدایای مقدس

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود: «به هارون و پسرانش بگو که به هدیه‌های مقدسی که قوم اسرائیل برای من وقف می‌کنند احترام بگذارند و من خداوند هستم و نام مقدس مرا بی‌حرمت نسازند.^۳ در نسلهای آینده، اگر کاهنی شرعاً نجس باشد و به هدایای مقدسی که قوم اسرائیل برای من وقف کرده‌اند نزدیک شود، آن شخص باید از بین مقام کاهنی بر طرف گردد. من خداوند هستم.»

^۴ هیچیک از اولادهٔ هارون، هرگاه مرض جلدی داشته باشد و یا از بدنش مایع جاری شود، تا زمانی که شرعاً پاک نشود حق ندارد که از هدایای مقدس بخورد. هر کاهنی که به جنازه‌ای دست بزند یا بخاطر خارج شدن مایع از بدنش نجس شده باشد^۵ و یا به حیوان یا شخصی که نجس است تماس کند،^۶ تا شام نجس خواهد بود و تا غسل نکند حق ندارد که از هدایای مقدس بخورد.^۷ هنگام غروب آفتاب پاک می‌شود و بعد از آن می‌تواند از خوراک مقدس که حق او است بخورد.^۸ او نباید گوشت حیوان مرده یا از حیوانی را که یک جانور وحشی دریده باشد، بخورد، زیرا با این کار، خود را نجس می‌سازد. من خداوند هستم.

^۹ همهٔ کاهنان باید از این هدایات پیروی کنند، در غیر آن مقصر بوده هلاک خواهند شد، زیرا

اوامر مقدس مرا بجا نیاورده‌اند. چون من خداوند هستم و آن‌ها را تقدیس کرده‌ام.

^{۱۰} تنها کاهنان می‌توانند که از هدایای مقدس بخورند و هیچ کس دیگر، حتی خدمتگار و مهمان کاهن هم حق خوردن آن‌ها را ندارد. ^{۱۱} اما غلام زرخرید و یا آنهایی که در خانه او بدنیا آمده باشند می‌توانند از آن‌ها بخورند. ^{۱۲} اگر دختر یک کاهن با شخصی که کاهن نباشد ازدواج کند، نباید از آن هدایا بخورد. ^{۱۳} اما اگر بیوه یا طلاق شده و بی‌اولاد باشد و بخانه پدر خود برگشته باشد، آنگاه می‌تواند از خوراک پدر خود بخورد. پس بغیر از اعضای خاندان کاهنان، کس دیگری حق خوردن آن‌ها را ندارد. ^{۱۴} و اگر کسی ندانسته از هدایای مقدس بخورد باید با مقداری که خورده است یک پنجم آنرا هم اضافه کرده به کاهن بدهد. ^{۱۵} پس کاهنان نباید به اشخاص دیگر اجازه بدهند که با خوردن هدایای مقدس قوم اسرائیل که برای من وقف می‌کنند آن‌ها را بیحرمت سازد، ^{۱۶} زیرا با این عمل مقصر شناخته می‌شود. من خداوند هستم و آن هدایا را تقدیس می‌کنم.»

^{۱۷-۱۸} خداوند به موسی فرمود: «به هارون، پسران او و تمام قوم اسرائیل بگو که وقتی یک اسرائیلی یا یکی از بیگانگانی که در بین آن‌ها زندگی می‌کند هدیه‌ای بعنوان قربانی سوختنی می‌آورد، چه آن هدیه نذری باشد چه دلخواه، ^{۱۹} و برای اینکه من آن را بپذیرم، آن قربانی باید گاو، گوسفند یا بز، نر و بی‌عیب باشد. ^{۲۰} و حیوانی را که عیب داشته باشد نباید قربانی کرد، زیرا من آنرا قبول نمی‌کنم. ^{۲۱} هرگاه کسی از رمه یا گله خود حیوانی را بعنوان قربانی سلامتی برای من تقدیم می‌کند، چه این قربانی نذری باشد چه دلخواه، آن حیوان باید سالم و بی‌عیب باشد تا مورد قبول من واقع گردد. ^{۲۲} حیوان کور، شل مجروح و یا حیوانیکه بدنش زخم داشته باشد نباید بر آتش قربانگاه برای من تقدیم شود. ^{۲۳} گاو یا گوسفندی که عضو زاید یا ناقص داشته باشد می‌توانید آن را بعنوان هدیه دلخواه تقدیم کنید نه بصورت قربانی نذری. ^{۲۴} حیوانی که بیضه‌اش کوبیده یا بریده شده باشد نباید آن را در کشور خود برای من قربانی کنید.

^{۲۵} همچنین هدیه‌ای را که بیگانگان بعنوان هدیه خوردنی می‌آورند نباید آن را برای من تقدیم

کنید، زیرا آن هدیه مثل یک حیوان معیوب قابل قبول نیست.»

^{۲۶-۲۷} خداوند به موسی هدایت داده فرمود: «وقتی گاو، گوسفند یا بزِی دنیا می‌آید، تا هفت روز باید پیش مادرش بماند و بعد از آن می‌توان آن را بر آتش برای من تقدیم کرد.^{۲۸} گاو یا گوسفند را با بره‌اش نباید در یک روز ذبح کرد.^{۲۹} وقتی قربانی شکرگزاری را بحضور من تقدیم می‌کنید باید مقررات قربانی را رعایت کنید، ورنه من قربانی شما را قبول نمی‌کنم.^{۳۰} و گوشت آن را باید در همان روز بخورید و تا فردای آن باقی نماند.

^{۳۱} احکام مرا بجا آورید، زیرا من خداوند هستم.^{۳۲} نام مقدس مرا بی‌حرمت نسازید و من که خداوند هستم شما را تقدیس می‌کنم، پس تمام قوم اسرائیل باید مرا مقدس بدانند،^{۳۳} زیرا که من شما را از مصر بیرون آوردم تا خدای شما باشم. من خداوند هستم.»

مقررات سَبَت

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود: «وقتی قوم اسرائیل برای عبادت و برگزاری اعیاد مذهبی بحضور من جمع می‌شوند باید مقررات ذیل را رعایت کنند:^۳ شش روز کار کنید، اما روز هفتم که سَبَت و یک روز مقدس است، برای استراحت تعیین شده است. در آن روز نباید کار کرد، بلکه برای عبادت جمع شوند. روز سَبَت متعلق به من است و در هر جائی که باشند باید آنرا تجلیل کنند.^۴ این اعیاد مقدس باید در اوقات مقرر برگزار و تجلیل شوند.

عید فِصَح و عید نان فطیر

(همچنین در اعداد ۲۸: ۱۶ - ۲۵)

^۵ عید فِصَح را هر سال، از غروب روز چهاردهم ماه اول به افتخار من برگزار کنند.^۶ در روز پانزدهم همان ماه، عید نان فطیر شروع می‌شود و آن‌ها باید برای هفت روز نان فطیر، یعنی نانی

که بدون خمیرمایه پخته شده باشد، بخورند.^۷ در روز اول این عید برای عبادت جمع شوند و از هر گونه کارهای روزمره شان دست بکشند.^۸ مدت هفت روز هدیه‌های سوختنی برای من تقدیم کنند. در روز هفتم باز از کارهای روزمره خود دست کشیده برای عبادت جمع شوند.»

عید میوه نو

^{۹-۱۰} خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو وقتی به این سرزمینی که من به آنها بخشیده‌ام آمدند و یک خوشه از اولین میوه محصولات خود را که چیدند یا درو کردند، یک روز بعد از سبت برای کاهن بیاورند.^{۱۱} و او آن خوشه را بحضور من تکان بدهد تا من آن را از شما بپذیرم.^{۱۲} در همان روز یک بره یک ساله نر را که سالم و بی عیب باشد بعنوان قربانی سوختنی بحضور من تقدیم کنند.^{۱۳} همراه آن، هدیه‌ای برای هدیه آردی که عبارت است از دو کیلو آرد اعلی، مخلوط با روغن زیتون بحضور من تقدیم کنند، بوی این هدیه برای من گوارا است. یک لیتر شراب را هم بعنوان هدیه نوشیدنی بیاورند.^{۱۴} تا که این هدیه‌ها را بحضور من تقدیم نکنند نباید نان یا حبوبات را بصورت خام یا بریان بخورند. این مقررات را همیشه و در نسلهای آینده، در هر جایی که باشند رعایت کنند.»

عید هفته‌ها

(همچنین در اعداد ۲۸:۲۶ - ۳۱)

^{۱۵} هفت هفته بعد از فردای روز سبت، روزی که خوشه میوه نو را برای من می‌آورید،^{۱۶} یعنی در روز پنجاهم که روز بعد از هفتمین سبت است یک هدیه دیگری از میوه نو خود را بعنوان هدیه آردی بحضور من تقدیم کنند.^{۱۷} هر خانواده دو قرص نان را بعنوان هدیه مخصوص بحضور من بیاورند. هر قرص آن باید از دو کیلو آرد بدون خمیرمایه پخته شده باشد و بعنوان میوه اول خود بحضور من تکان بدهند.^{۱۸} همراه این نانها هفت بره یکساله سالم و بی عیب، یک گوساله و دو قوچ را بعنوان قربانی سوختنی با هدیه‌های آردی و نوشیدنی بحضور من تقدیم کنند. بوی این

قربانی‌ها که بر آتش تقدیم می‌شوند برای من گوارا است.^{۱۹} آن‌ها همچنان یک بُز نر را بعنوان قربانی گناه و دو برهٔ یکسالهٔ نر را جهت قربانی سلامتی تقدیم نمایند.^{۲۰} آنگاه کاهن نانه‌ها را با آن دو بره بعنوان هدیهٔ مخصوص بحضور من تکان دهد. این هدیه‌ها بسیار مقدس‌اند و برای خوراک کاهنان داده شوند.^{۲۱} در آن روز همگی باید از کار روزمرهٔ خود دست بکشند و برای عبادت جمع شوند. و اولادهٔ‌شان هم در آینده در هر جایی که باشند، همین مقررات را رعایت نمایند.

^{۲۲} وقتی محصولات زمین خود را درو می‌کنید، گوشه‌های زمین را تماماً درو نکنید و خوشه‌هایی را که بر زمین افتاده‌اند بجا بگذارید تا مردم فقیر و بیگانگانی که در بین شما زندگی می‌کنند از آن‌ها استفاده نمایند. من خداوند، خدای شما هستم.»

عید سال نو

(همچنین در اعداد ۱:۲۹ - ۶)

^{۲۳-۲۴} خداوند به موسی این هدایات را داد: «به قوم اسرائیل بگو که هر سال، روز اول ماه هفتم روز استراحت است و همهٔ مردم اسرائیل با شنیدن آواز سرنا برای عبادت جمع شوند.^{۲۵} در آن روز هدیه‌ای بر آتش برای من تقدیم کنند و همگی باید از کارهای روزمرهٔ خود دست بکشند.»

روز کفاره

(همچنین در اعداد ۷:۲۹ - ۱۱)

^{۲۶-۲۷} خداوند به موسی فرمود: «هر سال، روز دهم ماه هفتم روز کفاره است. در آن روز تمام مردم اسرائیل برای عبادت جمع شوند. همگی روزه بگیرند و هدیه‌ای بر آتش برای من تقدیم کنند.^{۲۸} در آن روز از هر کاری که دارید دست بکشید، زیرا شما باید مراسمی را بجا آورید تا من گناهان شما را ببخشم.^{۲۹} و هر کسی که در آن روز، روزه نگیرد از بین قوم من طرد می‌شود.»

^{۳۰} یا اگر کسی کار کند خودم او را از بین می‌برم. ^{۳۱} این یک فریضهٔ ابدی است و باید آن را نسلهای آیندهٔ تان نیز در هر جائی که باشند رعایت نمایند. ^{۳۲} از غروب روز نهم ماه هفتم تا غروب روز دهم آن ماه، روز مخصوص کفاره است و باید روزه بگیرند و استراحت کنند.»

عید سایبانها

(همچنین در اعداد ۲۹:۱۲ - ۴۰)

^{۳۳-۳۴} خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل بگو که در روز پانزدهم ماه هفتم، عید سایبانها شروع می‌شود و برای هفت روز در حضور من تجلیل گردد. ^{۳۵} در روز اول عید همگی باید از کارهای روزمرهٔ خود دست کشیده برای عبادت جمع شوند. ^{۳۶} در ظرف آن هفت روز هدیه‌هایی را بر آتش بحضور من تقدیم کنند. در روز هشتم باز برای عبادت اجتماع کرده هدیه‌ای بر آتش برای من تقدیم نمایند. آن روز، روز پرستش است و کسی نباید به هیچ کاری دست بزند.

^{۳۷} اینها اعیاد مذهبی هستند که باید تمام مردم اسرائیل برای عبادت جمع شده قربانی‌های سوختنی و هدیه‌های آردی و نوشیدنی را مطابق مقررات بر آتش برای من تقدیم کنند. ^{۳۸} این اعیاد بغیر از روزهای عادی سبت‌اند و هدیه‌هایی را که در این اعیاد تقدیم می‌کنند غیر از هدیه‌هایی عادی، نذری و دلخواه هستند که بحضور من تقدیم می‌کنند.

^{۳۹} در روز پانزدهم ماه هفتم، وقتی خرمین را جمع می‌کنند این عید را برای هفت روز بحضور من تجلیل نمایند. روزهای اول و هشتم عید، روزهای استراحت‌اند. ^{۴۰} در روز اول، بهترین میوه‌های درختان خود را بچینند و شاخه‌های درخت خرما و شاخه‌های پُربُرگ بید لب جوی را جمع کنند و برای هفت روز این عید را به افتخار من که خداوند، خدای شان هستم جشن بگیرند. ^{۴۱} این عید را در ماه هفتم هر سال برای هفت روز تجلیل نمایند و این فریضه‌ای است همیشگی که باید نسلهای آینده‌شان نیز آن را رعایت کنند. ^{۴۲} در ظرف همان هفت روز همهٔ مردم اسرائیل باید در سایبانها بسر برند، ^{۴۳} تا اولاده‌شان در آینده آگاه باشند که من خداوند،

خدای آن‌ها، وقتی قوم اسرائیل را از مصر بیرون آوردم آن‌ها را در سایبانها جا دادم.»

^{۴۴} به این ترتیب، موسی مقررات اعیاد مذهبی را که خداوند تعیین فرمود به قوم اسرائیل ابلاغ کرد.

چراغ خیمه حضور خداوند

(همچنین در خروج ۲۷: ۲۰-۲۱)

^{۱-۲} خداوند به موسی فرمود: «به قوم اسرائیل هدایت بده که روغن خالص زیتون را برای چراغهای خیمه بیاورند و چراغها باید همیشه روشن باشند. ^{۳-۴} هارون هر شام چراغدان طلای خالص را در خیمه حضور خداوند، بیرون پرده‌ای که در مقابل صندوق پیمان است، با روغن زیتون پُر کند تا شب و روز در حضور من روشن باشد. این حکم برای همیشه، نسل بعد از نسل در اسرائیل فریضة ابدی است.

نان مقدس

^{۵-۶} با دوازده کیلو آرد دوازده قرص نان بپزد و آن‌ها را در دو قطار شش تائی بر سر میزی که از طلای خالص ساخته شده است و در حضور من قرار دارد، بگذارد. ^۷ بر هر قطار نان، کُندر خالص بگذارد تا بعنوان نمونه‌ای از نان، بر آتش بحضور من تقدیم کند. ^۸ هارون همیشه در هر سبت این مراسم را بحیث یک پیمان ابدی از طرف قوم اسرائیل اجراء نماید. ^۹ این نان‌ها به هارون و پسرانش تعلق داشته آن‌ها را باید در یک جای مقدس بخورند، زیرا این هدیه مقدس‌ترین هدیه‌هائی است که بحضور من تقدیم می‌شود.»

جزای کفر گفتن

۱۰-۱۱ باری مردی که پدرش مصری و مادرش یک اسرائیلی بنام شلومیت، دختر دبری، از قبیله دان بود، در اردوگاه با یکی از مردان اسرائیلی جنگ کرد. در اثنای جنگ، آن مرد به خداوند کفر گفت و او را پیش موسی آوردند.^{۱۲} او را در زندان انداختند تا ببینند که رضای خداوند در مورد او چه خواهد بود.

۱۳-۱۴ خداوند به موسی فرمود: «آن مرد را از اردوگاه بیرون برده و همه کسانی که کفر گفتن او را شنیدند دستهای خود را بر او بگذارند و آنگاه تمام قوم اسرائیل او را سنگسار کنند.^{۱۵} به قوم اسرائیل بگو هر کسی که به خدای خود کفر بگوید باید به سزای عملش برسد و بمیرد.^{۱۶} و تمام مردم اسرائیل او را سنگسار کنند. این یک فریضة ابدی است در مورد مردم اسرائیل و همچنین بیگانگانی که در بین شان زندگی می کنند.

۱۷ هر کسی که مرتکب قتل گردد باید کشته شود.^{۱۸} اگر کسی حیوانی را که متعلق به او نیست، بکشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد - جان بعوض جان.

۱۹ هرگاه شخصی به کس دیگری صدمه برساند، او هم باید همان صدمه را ببیند.^{۲۰} اگر استخوان کسی را بشکند، استخوان او نیز باید شکسته شود. هرگاه کسی چشم شخص دیگری را کور می کند، باید چشم خودش هم کور شود. و اگر دندان کسی را می شکند، دندان او را نیز بشکنند. هرگاه شخص دیگری را زخمی کند، خود او هم باید زخمی شود.^{۲۱} هر کسی که یک حیوان را می کشد، باید عوض آن را بدهد. و اگر شخص دیگری را می کشد، خودش هم کشته شود.^{۲۲} همین قانون در مورد شما و همچنین بیگانگانی که در بین شما ساکن هستند یک فریضة ابدی است، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.»

۲۳ پس موسی اینها را به مردم گفت و آنگاه آن مرد را به بیرون اردوگاه برده سنگسارش کردند. و مردم اسرائیل مطابق فرمان خداوند عمل نمودند.

سال هفتم

(همچنین در تثیبه ۱:۱۵-۱۱)

^{۱-۲} خداوند بر کوه سینا این هدایات را به موسی داد: «به قوم اسرائیل بگو که وقتی به این سرزمینی که به شما می‌دهم آمدید، هر هفت سال یکبار بگذارید که زمین من استراحت کند. ^۳ شش سال در زمین‌های خود کشت و زراعت کنید، درختان انگور را تاک‌بری نمائید و محصولات خود را جمع کنید. ^۴ اما در سال هفتم زمین را به خداوند وقف نمائید و در آن چیزی نکارید و تاک‌بری نکنید. ^۵ نباتات خود را که در زمین شما می‌رویند درو نکنید و همچنین انگور را از درختانی که تاک‌بری نشده‌اند برای خود نچینید. آن سال برای زمین، سال استراحت است. ^۶ گرچه در آن سال کشت و زراعت نمی‌شود، اما برای شما و غلام، کنیز و کارگران تان و همچنین بیگانگانی که در بین شما زندگی می‌کنند خوراک تهیه می‌کند. ^۷ رمه و گله‌ شما و جانوران وحشی هم باید از محصول زمین بخورند.

سال پنجاهم

^۸ برای خود هفت سالهای سبب بشمار، یعنی هفت در هفت سال که جمعاً چهل و نه سال شود. ^۹ در روز دهم ماه هفتم همان سال که روز کفاره است، در سراسر کشور تان شیپورها را با آواز بلند بصدا آورید. ^{۱۰} به این ترتیب سال پنجاهم را مقدس شمرده به همه باشندگان کشور اعلان آزادی داده شود. این سال برای شما سال «یوبیل»، یعنی سال تجلیل، خواهد بود. در ظرف این سال همه دارائی مردمی که فروخته شده بودند دوباره به صاحبان اصلی یا بازماندگان شان سپرده شوند. ^{۱۱} در سال پنجاهم نه چیزی در زمین تان بکارید، نه محصول آنرا درو کنید و نه انگورهای تان را بچینید. ^{۱۲} سال پنجاهم، سال مقدس است و در این سال هر چیزی را که در زمین می‌روید بخورید.

^{۱۳} در ظرف سال پنجاهم هر کسی باید به مُلک و جای خود برگردد. ^{۱۴} در معامله خرید و فروش

زمین صادق و با انصاف باشید.^{۱۵} قیمت آن باید نظر به تعداد سالهائی که به سال پنجاهم آینده مانده است تعیین گردد.^{۱۶} یعنی اگر سالهای زیادی به سال پنجاهم مانده باشند، قیمت زمین زیاد و اگر سالهای کم مانده باشند از قیمت آن کاسته می شود. به این معنی که فروشنده قیمت محصولات سالهای آینده را از خریدار می گیرد.^{۱۷} در معامله با برادران اسرائیلی تان صادق باشید و از من که خداوند و خدای شما هستم اطاعت کنید.

مسائل سال هفتم

^{۱۸} اوامر و فرایض مرا بجا آورید تا در کشور تان به آسودگی و امنیت زندگی کنید.^{۱۹} زمین محصول کافی بار می آورد و هر قدر که بخواهید می توانید از محصول آن بخورید و سیر شوید.^{۲۰} بعضی خواهند پرسید: «پس در سال هفتم که هیچ کشت و زراعت نمی شود چه بخوریم؟»^{۲۱} جواب این است که من زمین را در سال ششم آنقدر برکت می دهم که برای سه سال محصول کافی بار آورند.^{۲۲} و در سال هشتم وقتی شروع به جمع آوری محصول خود می کنید، هنوز هم خوراک کافی داشته باشید.

^{۲۳} زمین را نباید بصورت دائمی بفروشید، زیرا زمین متعلق به من است. شما مانند مسافری چند روز مهمان هستید و به شما اجازه می دهم که موقتاً از آن استفاده کنید.^{۲۴} وقتی زمین فروخته شد، مالک اصلی حق دارد که آنرا دوباره بخرد.^{۲۵} اگر یک برادر اسرائیلی شما تنگدست شود و مجبور گردد که زمین خود را بفروشد، پس یکی از نزدیکترین خویشاوندان او باید زمین را بازخريد کند.^{۲۶} هرگاه آن شخص کسی را نداشته باشد که زمینش را بازخريد کند، اما اگر بعد از مدتی خودش پول کافی به دست آورد که زمین را دوباره بخرد،^{۲۷} در آنصورت باید قیمت محصولاتی را که تا سال پنجاهم از زمین حاصل می شود پرداخته زمین را بازخريد نماید.^{۲۸} و اگر توان بازخريد آن را نداشته باشد، زمین تا سال پنجاهم پیش خریدار باقی می ماند، اما در سال پنجاهم باید دوباره آن را به صاحب اصلی اش برگرداند.

^{۲۹} هرگاه کسی خانه خود را که در بین شهر حصاردار واقع است بفروشد، او حق دارد که در ظرف یک سال آن را دوباره بخرد. ^{۳۰} اگر بعد از یک سال نتواند آن را بازخرید کند، در آنصورت زمین به خریدار متعلق می شود و فروشنده نمی تواند در سال پنجاهم آنرا دوباره به دست آورد. ^{۳۱} اما اگر خانه در دهات بدون حصار واقع باشد، حکم زمین زراعتی را دارد. مالک اصلی حق بازخرید آن را دارد و آن را باید در سال پنجاهم به او برگرداند. ^{۳۲} اما لاویان هر وقتی که بخواهند می توانند ملکیت خود را در شهرهایی که برای آن ها تعیین شده اند بازخرید کنند. ^{۳۳} اگر یکی از لاویان ملکیت خود در یکی از آن شهرها بفروشد و نتواند آن را بازخرید کند، باید در سال پنجاهم آنرا دوباره به او برگرداند، زیرا خانه هایی را که لاویان در شهرها دارا می باشند ملکیت دایمی آن ها هستند. ^{۳۴} اما لاویان نمی توانند کشتزارهای اطراف شهر خود را بفروشند، چرا که آن ها ملکیت دایمی آن ها می باشند.

قرض دادن به مردم فقیر

^{۳۵} هرگاه یکی از برادران اسرائیلی تو فقیر و تنگدست شود، به او کمک نما و او را به خانه ات بحیث مهمان بپذیر. ^{۳۶} از او سودی نگیر، بلکه از خدای خود بترس و اجازه بده که برادر اسرائیلی ات با تو زندگی کند. ^{۳۷} از پولی که به او قرض می دهی سود نگیر و چون به او غذا می دهی توقع فایده را نداشته باش. ^{۳۸} من خداوند، خدای شما هستم که شما را از مصر بیرون آوردم تا سرزمین کنعان را به شما بدهم و خودم خدای شما باشم.

آزادی غلامان

^{۳۹} اگر یکی از برادران اسرائیلی تو فقیر شود و خود را به تو بفروشد، تو نباید با او مانند یک غلام رفتار کنی. ^{۴۰} او باید مثل یک کارگر روزمزد و مهمان تا سال پنجاهم برای تو کار کند. ^{۴۱} بعد از آن می تواند با اطفال خود خانه ترا ترک کند و به مُلک خود و پیش خانواده خود برگردد. ^{۴۲} زیرا آن ها بندگان من هستند و من آن ها را از سرزمین مصر بیرون آوردم و نباید بحیث

غلام فروخته شوند.^{۴۳} از خدا بترس و با او به زشتی رفتار مکن.^{۴۴} اگر به غلام و کنیز ضرورت داشته باشی، از اقوام همسایه خریداری کن.^{۴۵} همچنین می‌توانید فرزندان بیگانگانی را که در بین شما زندگی می‌کنند هرچند در کشور تان دنیا آمده باشند، بخرید.^{۴۶} آن‌ها تا که زنده هستند غلام شما می‌باشند و می‌توانید آن‌ها را بعد از خود برای فرزندان تان واگذارید، اما شما نباید با برادران اسرائیلی خود بدرفتاری کنید.

^{۴۷} اگر یکی از بیگانگانی که در بین شما زندگی می‌کند ثروتمند شود و یکی از برادران شما تنگدست گردد و خود را به آن بیگانه و یا نزدیکان او بفروشد،^{۴۸-۴۹} یکی از برادرانش یا کاکا و پسر کاکا و یا خویشاوندان نزدیکش می‌تواند او را بازخرد کند. یا اگر خودش پول کافی به دست آورد، می‌تواند خود را بازخرد نماید.^{۵۰} او باید سالها را از زمان فروخته شدنش تا سال پنجاهم بشمارد و مبلغ پول باید به اساس اجوره‌ای که یک کارگر در دوران همان سالها می‌گیرد، تعیین گردد.^{۵۱-۵۲} اگر تا سال پنجاهم مدت زیادی باقی مانده باشد، پول زیادی بپردازد، هرگاه سالهای کمی باقی مانده باشد، پول کمتری بدهد.^{۵۳} با او بحيث یک کارگر معامله شود، گرچه او خود را بعنوان غلام به یک بیگانه فروخته باشد و نباید با او به زشتی رفتار شود.^{۵۴} اگر او با این شرایط آزاد نشود، او و فرزندان او باید در سال پنجاهم آزاد گردند.^{۵۵} چون قوم اسرائیل بندگان من هستند و بخاطری که آن‌ها را از مصر بیرون آوردم، کسی حق ندارد آن‌ها را غلام دایمی خود سازد. من خداوند، خدای شما هستم.»

برکات اطاعت

(همچنین در تثیبه ۱۲:۷-۲۴؛ ۱:۲۸-۱۴)

۲۶ ^۱ خداوند فرمود: «بتها، ستونهای سنگی و مجسمه‌های تراشیده برای پرستش نسازید، زیرا من خداوند، خدای شما هستم.^۲ از مقررات سبّت من پیروی کنید و به عبادتگاه من احترام بگذارید، زیرا من خداوند هستم.

^۳ اگر مطابق اوامر و احکام من رفتار کنید و آن‌ها را بجا آورید، ^۴ آنوقت من باران را در موسمش برای شما می‌فرستم تا زمین محصول و درختان میوه بار آورند. ^۵ خرمین تان آنقدر زیاد می‌شود که کوبیدن آن تا فصل چیدن انگور طول می‌کشد و حاصلات انگور شما بقدری فراوان می‌شود که تا موسم کِشت غله دوام می‌کند. خوراک فراوان می‌داشته باشید و در سرزمین تان در امنیت و رفاه زندگی می‌کنید.

^۶ من در آنجا صلح را برقرار می‌سازم و بدون ترس و با خاطر جمع بخواب می‌روید. حیوانات خطرناک را از سرزمین تان محو می‌کنم و جنگ و خونریزی در آن رُخ نمی‌دهد. ^۷ بر دشمنان غالب می‌شوید و با شمشیر شما هلاک می‌گردند. ^۸ پنج نفر تان می‌توانند صد نفر را مغلوب سازند و صد نفر شما هزار نفر را شکست می‌دهند. ^۹ به شما برکت می‌دهم و فرزندان زیاد عطا می‌کنم و به قولی که داده‌ام وفا می‌نمایم. ^{۱۰} محصولات شما آنقدر زیاد می‌شوند که تا برداشتن محصول آینده باقی می‌مانند و نمی‌دانید که با آن غلهٔ اضافگی چه کنید. ^{۱۱} من در بین شما ساکن می‌شوم و هرگز شما را ترک نمی‌کنم. ^{۱۲} همیشه با شما می‌باشم. من خدای شما بوده و شما قوم برگزیدهٔ من می‌باشید. ^{۱۳} من خداوند، خدای شما هستم که شما را از مصر بیرون آوردم تا دیگر غلام آن مردم نباشید. زنجیر غلامی را از پای تان و یوغ اسارت را از دوش شما برداشتم تا با سرفرازی زندگی کنید.

سزای نافرمانی

(همچنین در تثیبه ۲۸: ۱۵ - ۶۸)

^{۱۴} اما اگر به من گوش ندهید، ^{۱۵} قوانین مرا رد کنید، اوامر مرا بجا نیاورید و پیمانی را که با شما بسته‌ام بشکنید، این طور جزا می‌بینید: ^{۱۶} بر سر شما بلای ناگهانی را می‌آورم. شما را به مرض بی‌درمان گرفتار می‌سازم. به تبی که چشمان تان را کور و عمر شما را کوتاه کند، مبتلا می‌شوید و دشمنان تان محصول زحمت شما را می‌خورند. ^{۱۷} بر ضد شما برمی‌خیزم و شما را به دست دشمن مغلوب می‌سازم و بدخواهان تان بر شما حکومت می‌کنند. شما آنقدر وحشتزده می‌شوید

که بدون اینکه کسی شما را تعقیب کند پا به فرار می‌گذارید.

^{۱۸} اگر باز هم از من اطاعت نکنید سزای گناه تان را هفت چند می‌سازم. ^{۱۹} قدرت غرورآمیز شما را از بین می‌برم. باران بر زمین تان نمی‌بارد و در نتیجه زمین شما خشک و مانند فلز سخت می‌شود. ^{۲۰} نیروی خود را بیهوده از دست می‌دهید، زیرا زمین تان محصول و درختان شما میوه بار نمی‌آورند.

^{۲۱} اگر باز هم برخلاف میل من رفتار کنید و به من گوش ندهید، بلاهائی که بر سر شما می‌آورم هفت چند خواهند بود. ^{۲۲} جانوران خطرناک را در بین شما می‌فرستم تا اطفال تان را بکشند، رمه و گله تان را از بین ببرند، نفوس تان کم شود و جاده‌های تان متروک گردند.

^{۲۳} اگر با وجود اینهمه مجازات باز هم به من توجه ننمائید و برخلاف رضای من رفتار کنید، ^{۲۴} آنوقت برضد شما برمی‌خیزم و خودم سزای گناه شما را هفت چند سخت‌تر می‌سازم. ^{۲۵} اگر پیمان مرا بشکنید، از شما انتقام می‌گیرم و جنگ را برضد شما برپا می‌کنم و اگر برای حفاظت جانهای تان در شهرها بگریزید، بیماری‌های بی‌درمان را در بین شما شایع می‌کنم و شما را مغلوب دشمنان می‌سازم. ^{۲۶} ذخیره آرد شما را آنقدر کاهش میدهم که ده زن در یک تنور نان بپزند. و با جیره‌ای که به شما داده می‌شود سیر نشوید.

^{۲۷} اگر باوجود اینهمه مجازات باز هم به من گوش ندهید از من اطاعت نکنید، ^{۲۸} آنگاه من غضب خود را بر سر شما می‌آورم و سزای گناه تان را هفت چند سخت‌تر از پیشتر می‌کنم. ^{۲۹} از شدت گرسنگی گوشت فرزندان خود را می‌خورید. ^{۳۰} عبادتگاه‌های تانرا ویران می‌کنم، قربانگاه‌های شما را منهدم می‌سازم، جنازه‌های شما را بر بت‌های بی‌جان تان می‌اندازم و از شما متنفر می‌شود. ^{۳۱} شهرهای تان را به خرابه تبدیل می‌نمایم، معابد شما را خراب می‌کنم و قربانی‌های تان را نمی‌پذیرم. ^{۳۲} سرزمین تان را بکلی ویران می‌کنم تا دشمنان تان که در آن‌ها جاگزین می‌شوند تباهی آن‌ها را ببینند و حیران شوند. ^{۳۳} شما را در بین اقوام جهان پراکنده

می سازم، جنگ را بر سر شما می آورم، شهرهای تان را ویران و از سکنه خالی می گردانم.

^{۳۴-۳۵} آنوقت زمین های تان را که شما موقع ندادید استراحت کنند، تا زمانی که در سرزمین دشمن اسیر هستید متروک می باشند و استراحت می کنند. ^{۳۶} و شما که به سرزمین های دشمن به اسارت رفته اید از صدای برگی که در اثر وزش باد بر روی زمین حرکت می کند به وحشت می افتید و مانند کسی که از ترس شمشیر دشمن بگریزد، پا به فرار می گذارید و بر زمین می افتید. ^{۳۷} در وقت فرار بر یکدیگر می افتید، در حالیکه کسی در تعقیب شما نیست، مثل کسی که از جنگ بگریزد، فرار می کنید و مقاومت خود را در برابر دشمن از دست می دهید. ^{۳۸} در اسارت می میرید و در دیار دشمنان تان بخاک می روید. ^{۳۹} و کسانی که در سرزمین دشمن باقی بمانند بخاطر گناهان خود و اجدادشان هلاک می شوند.

^{۴۰} اما اگر به گناهان خود و گناهان اجداد خود که به من خیانت کردند و در مقابل من سرکشی نمودند، ^{۴۱} مرا مجبور ساختند که بر ضد آنها برخیزم و آنها را به سرزمین های دشمنان شان تبعید کنم، اعتراف نمایند، در حضور من سر تواضع خم کنند و مجازات خود را قبول نمایند، ^{۴۲} آنوقت پیمان خود را که با یعقوب و اسحاق و ابراهیم بسته بودم بیاد می آورم و به فکر سرزمین آنها می افتم. ^{۴۳} اما اولتر، باید آن سرزمین خالی شود تا از آسایش و استراحت کامل برخوردار گردد و بخاطری که قوانین و احکام مرا رد کردند باید مجازات شوند. ^{۴۴} ولی با اینهم، آنها را در سرزمین دشمنان شان بکلی ترک نمی کنم، از بین نمی برم و پیمان خود را نمی شکنم، زیرا من خداوند، خدای شان هستم. ^{۴۵} پیمان خود را که با اجداد آنها بسته بودم بیاد می آورم، زیرا من با قدرت خود آنها را در برابر چشمان مردم مصر از آن سرزمین بیرون آوردم، تا من خداوند، خدای آنها باشم.»

^{۴۶} اینها قوانین و احکامی اند که خداوند در کوه سینا ذریعه موسی به قوم اسرائیل داد.

هدایای نذری

^{۱-۲} خداوند این هدایات را به موسی داد: «اگر کسی مطابق نذری وقف من شود، آن شخص می‌تواند با پرداخت مبلغ معینی خود را آزاد سازد. ^{۳-۷} معیار آن از این قرار است: مرد بیست تا شصت ساله، پنجاه مثقال نقره؛ زن بیست تا شصت ساله، سی مثقال نقره؛ پسر پنج تا بیست ساله، بیست مثقال نقره؛ دختر پنج تا بیست ساله، ده مثقال نقره؛ پسر یک ماهه تا پنج ساله، پنج مثقال نقره؛ دختر یک ماهه تا پنج ساله، سه مثقال نقره؛ مرد از شصت ساله بالا، پانزده مثقال نقره؛ زن از شصت ساله بالا، ده مثقال نقره.

^۸ اگر شخصی فقیر باشد و نتواند که آن مبلغ را بپردازد، پس او را پیش کاهن ببرند و او مبلغی را که بتواند بپردازد، تعیین کند.

^۹ و اگر حیوانی را که مورد قبول من باشد، نذر کند باید آن حیوان را به من تقدیم کند و هر چیزی که به من تقدیم می‌شود مقدس است. ^{۱۰} و آن را نباید با چیز دیگری عوض کند و یا خوب را با بد یا بد را با خوب تغییر بدهد. و اگر چنین کند، هر دو حیوان به من تعلق می‌گیرند. ^{۱۱-۱۲} اگر حیوانی شرعاً نجس بوده جهت قربانی برای من مجاز نباشد، آنگاه آن حیوان را پیش کاهن برد و او از روی جنسیت حیوان قیمتی برای آن تعیین کند و این شخص باید آن مبلغ را بپردازد. ^{۱۳} و اگر آن شخص بخواهد حیوان مذکور را بازخرد کند علاوه بر قیمتی که کاهن تعیین کرده است، یک پنجم قیمت آنرا هم بپردازد.

^{۱۴-۱۵} هرگاه کسی خانه خود را وقف من کند، کاهن ارزش آن را از نگاه وضع ساختمانی آن تعیین نماید، اما اگر آن شخصی که خانه را وقف کرده است بخواهد آن را دوباره بخرد، باید بیست فیصد قیمت آنرا با مبلغ تعیین شده اضافه کرده بپردازد.

^{۱۶} اگر شخصی یک حصه زمین خود را وقف من کند، قیمت آن باید از روی مقدار تخمی که

در آن کاشته می شود تعیین گردد. زمینی که در آن یکصد کیلو جو کاشته شود، پنجاه مثقال نقره قیمت دارد.^{۱۷} اگر شخصی زمین خود را در سال پنجاهم وقف کند، در آن صورت قیمت زمین مساوی با قیمت محصول پنجاه ساله آن می باشد.^{۱۸} اما اگر زمین را بعد از سال پنجاهم وقف کند، باید قیمت آن را از روی سالهائی که به سال پنجاهم آینده باقی مانده است تعیین کند.^{۱۹} اگر آن شخص بخواهد زمین را دوباره بخرد، او باید بیست فیصد به قیمت آن اضافه کرده پردازد.^{۲۰} اما اگر او بدون آنکه زمین را بازخرد کند آن را به شخص دیگری بفروشد، دیگر هرگز نمی تواند آن را دوباره بخرد.^{۲۱} ولی در سال پنجاهم بعدی آن زمین ملکیت دائمی من می شود و باید آن را به کاهن داد.

^{۲۲-۲۳} هرگاه کسی زمینی را که خریده است به من وقف کند و آن زمین مال میراثی نباشد، کاهن باید قیمت آن را از روی سالهائی که به سال پنجاهم باقی مانده است تعیین کند و آن شخص باید قیمت آن را در همان روز پردازد و پول قیمت آن به من تعلق می گیرد.^{۲۴} در سال پنجاهم زمین باید به مالک اصلی اش داده شود.

^{۲۵} قیمت ها باید مطابق نرخ رسمی تعیین گردد.

^{۲۶} اولین نوزاد هر حیوان، چه گاو و چه گوسفند باشد، متعلق به من است، بنابراین، کسی نمی تواند آنرا به من وقف کند.^{۲۷} اما اگر حیوانی را که گوشت آن حرام باشد، (چون جایز نیست برای خداوند قربانی شود) می توان آن را بازخرد کرد و باید قیمت اصلی آن را با اضافه بیست فیصد پردازد.

^{۲۸} اما چیزی که به من وقف شده باشد، از قبیل انسان، حیوان یا زمین موروثی، هرگز فروخته یا بازخرد شده نمی تواند، چون مقدس است و برای همیشه به من تعلق دارد.^{۲۹} کسی که محکوم به مرگ شده باشد نمی تواند خود را بازخرد نماید و باید کشته شود.

^{۳۰} ده فیصد محصول زمین، چه غله باشد چه میوه، به من تعلق دارد. اگر کسی بخواهد آن غله یا

میوه را بخرد،^{۳۱} بر علاوه قیمت اصلی آن، بیست فیصد دیگر هم اضافه کرده آن را بخرد.^{۳۲} ده فیصد گله و رمه هم متعلق به من است. وقتی حیوانات را می‌شمیرید، هر دهمین آن‌ها از من است.^{۳۳} صاحب گله یا رمه حیوانات را طوری قرار ندهد که حیوان بد برای من جدا شود و یا جای حیوان خوب را تبدیل کند. اگر جای حیوانات خوب و بد را تغییر بدهد، در آن صورت هر دو حیوان به من تعلق می‌گیرد و حق بازخرید آن را ندارد.»

^{۳۴} اینها اوامری بودند که خداوند بر کوه سینا ذریعه موسی به قوم اسرائیل داد.